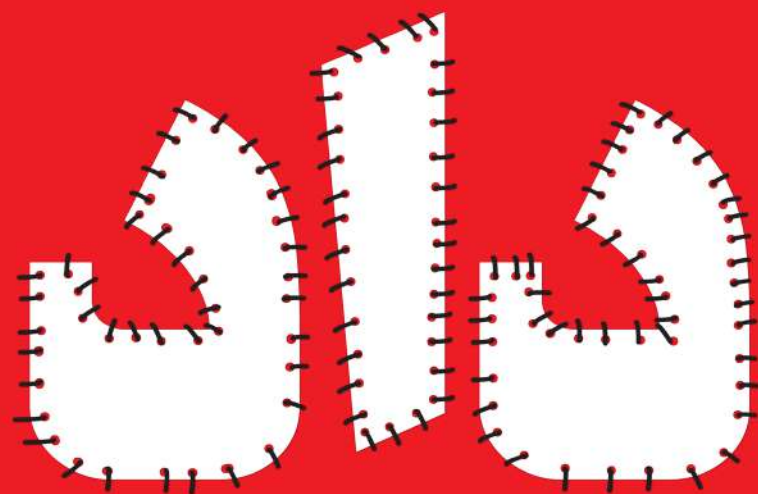


فیلمنامه  
جشنواره مردمی

هفتمین جشنواره مردمی فیلم عمار  
نشر به روزانه هفتمین جشنواره مردمی فیلم عمار  
شماره ششم - چهاردهم دی ماه ۱۳۹۵ - تهران



روایت اعتراض به ناکار آمدی

آغاز صنعت موشک سازی بافتوای آیت الله سیستانی

تعطیلی کارخانه ها در «یک روز به عید»

مردم، بلعنده یا متولی



## گزارش تصویری روز ششم





## پناهیان در جشنواره عمار نقد هنری تنها نقد خروجی نیست

سالن تقریباً پراست به زحمت می شود جایی برای نشستن پیدا کرد... نیم ساعتی گذشته که حجت الاسلام علیرضا پناهیان در میان سلام و صلوات حاضرین در سالن وارد می شود. دستپایان را بهم بدهید درست مانند وقتی که بازیکنان فوتبال در زمین باهم دست می دهند عهدی میبندند و پراکنده می شوند این همه خواسته حجت الاسلام و المسلمین علیرضا پناهیان از جوانان معماری و عاشقان عمار است...

به شوخی می گوید می خواسته از بحث نقادی در جشنواره شانه خالی کند چرا که خیلی از فیلم ها را نتوانسته ببیند و می خواهد از نقد یک محصول فرهنگی و هنری بر ایمان بگوید: وقتی صحبت از نقادی یک اثر هنری به میان می آید خواه این اثر یک فیلم باشد خواه یک تابلوی نقاشی کار خیلی سخت و پیچیده می شود هر چند که نقد یک اثر می تواند باعث رشد و سازندگی آن شود و یا برعکس تحسین یک اثر هنری می تواند انگیزه سازنده را چندین برابر بکند.

وی ادامه داد: اما بهتر است به فرآیند تولید یک اثر پرداخته شود تا به نتیجه و محصول نهایی آن، در نقد، همیشه ما نمی توانیم به توافق برسیم و شاید بهتر است بگوییم به سختی به توافق می رسیم. گاه فیلم هایی ساخته می شود که اثرات مخربش بر روی ذهن مخاطب در درازمدت خودش را نشان می دهد چرا که متغیرها غیرقابل کنترل هستند حتی در موارد تربیتی نیز ما نمی توانیم نقد درست و استواری داشته باشیم، مشکل با اصلاح شیوه نقد هم حل نمی شود حتی مقید بودن به آداب نقد هم در بیشتر موارد چاره سازی نمی کند، نقداً انکار نمی کنیم اما معتقدم نقداً راه حل نهایی نیست فارغ از همه جذابیت هایی که نقد می تواند داشته باشد ولی در نقاط حساس به خصوص، پاسخ مطلوبی نمی دهد

پناهیان چنین ادامه می دهد: باید به جای نقادی یک اثر به فرآیند تولید آن بپردازیم که نقش بسیار مهمی دارد چرا که اگر اثری فرآیند خوبی داشته باشد استاندارد های لازم را هم بدست خواهد آورد، ما نتوانسته ایم با گذشت چندین سال از دوران دفاع مقدس تربیت سلحشوران دفاع مقدس را در جامعه مان تداعی کنیم همان چرخه ای که باعث شد چنین جوانانی به چنین درجاتی برسند ولی می شود تربیت آنان را در میان نسل آینده احیا کرد و جوانانی از قبیل همین سرداران از دل جامعه بیرون کشید.

پناهیان تأکید کرد: به نظر شما فرآیند تولید یک محصول خوب چیست؟ آیا قابل بررسی هست؟ همین که جرقه ای به ذهن یک فرد برسد و ایده ای در خیالش شکل بگیرد کفایت؟ ما نیاز داریم به این مرحله فکر کنیم. ابعادش را اول برای خودمان و بعد برای جامعه بشکافیم، جشنواره عمار علاوه بر اینکه محصولات خوب را معرفی می کند فرآیند تولید محصول خوب را هم به جامعه مخاطبش عرضه می کند و این یک شاخصه و نقطه قوت در این حرکت خود جوش مردمی است.

وی گفت: حتماً شما هم این ضرب المثل قدیمی به گوشتان رسیده است که تا کسی حرف نزد پشت سخنانش معلوم نمی شود، این را در نحوه تولید فیلم ها هم می بینیم چه اصراری هست که پشت صحنه تولید یک اثر پنهان شود و مخاطب فقط محصول نهایی را ببیند، من معتقدم هنرمند از هنرش مهمتر است شخصیتی که دارد، نگرشش، همه این ها مهم است اما ما وقتی می خواهیم یک فیلم ساز را نقد کنیم می گویند با فیلم ساز چکار دارید اثرش را نقد کنید. وی در پایان از اصطلاح مردمی بودن جشنواره عمار ابراز خوشحالی و امیدواری کرد و بیان داشت: من مردمی بودن عمار را بیشتر از لفظ عمار به تنهایی دوست دارم، جامعه فقط به عمار نیاز ندارد به روحیه معماری و استمرار آن در دل مردم نیاز دارد.



## رضا برجی از تجربیاتش می گوید: مستندساز باید فرصت شناسی و موقعیت سنج باشد

رضا برجی با اشاره به آثارش در جنگ تاجیکستان و بوسنی گفت: ویژگی یک مستندساز، فرصت شناسی و موقعیت سنجی ست.

رضا برجی که در نشست «یک روز یک تجربه» به بازخوانی تجربه ساخت مستند «مادران سربرنیتسا» می پرداخت گفت: تا امروز در ۱۶ جنگ در سراسر دنیا حضور داشته و از آن ها عکس و فیلم تهیه کرده ام؛ ۲۰ بار در جنگ شوروی علیه افغانستان، ۹ بار در جنگ بوسنی، ۲ بار در جنگ قره باغ، بالای ۲۰ بار در جنگ عراق و در جنگ های دیگری در کشورهای سومالی، سودان، کوزوو، چین و کشمیر نیز حضور داشته و اقدام به گرفتن عکس و تصویربرداری کرده ام.

این که چرا نام «مادران سربرنیتسا» را برای این مستند انتخاب کردم به این دلیل بود که مادران بوسنیایی از من می خواستند تا در این مستند به دنیا نشان بدهم که ۱۲ هزار مرد مسلمان فقط ظرف مدت ۴۸ ساعت توسط نیروهای صرب قتل عام شدند.

او که قرار بود از سوژه های مستند های جنگی اش بگوید معتقد بود: زمانی که یک مستندساز قصد ساخت مستندی را دارد باید به ۲ عامل توجه کند؛ نخستین اقدام این است که سوژه خود را قبل از رسیدن به محل یا کشوری که قصد ساخت مستند پیرامون آن را دارد مشخص کند. دوم اینکه باید بدانند و این آمادگی را داشته باشد بعد از ورود به منطقه مورد نظر برای ساخت مستند، سوژه های لازم را کسب و بدست خواهد آورد.

رضا برجی ویژگی یک مستندساز را فرصت شناسی و موقعیت سنجی دانست و افزود: زمانی که یک مستندساز به منطقه ای برای ساخت مستند سفر می کند داستان مورد نظر او آنجا برایش اتفاق می افتد؛ اما یک مستندساز باید بداند که تصویربرداری در این شرایط یعنی شکار لحظه ها و نباید و حق ندارد در زمان تصویربرداری هیچ لحظه ای را از دست بدهد. این فرصت شناسی و موقعیت سنجی را در کشورهای تاجیکستان و در زمان جنگ آن و در کشور بوسنی و جنگ آن داشتیم تا موفق شدم مستندهای بسیار خوبی بسازم.

برجی به تاثیر ساخت و نمایش مستندش در صلح تاجیکستان اشاره کرد و گفت: ساخت مستند موجب شد تا در نهایت ایران در آن زمان به عنوان میانجی وارد جنگ تاجیکستان شده و بین دولت و نهضت اسلامی این کشور به رهبری عبدالله نوری صلح برقرار شود؛ بعد از اینکه مستند ۳۰ دقیقه ای را ساختم و در مجامع گوناگون نمایش داده شد عبدالله نوری به من گفت کاری که شما با ساخت مستندی ۳۰ دقیقه ای کردید و حقوق از دست رفته ما را به ما برگرداندید ما در جنگ و با ۳۰۰ هزار شهیدی که دادیم، نتوانستیم انجام بدهیم.

برجی، صبر را یکی از ویژگی های مهم مستندساز می داند: در جنگ تاجیکستان من به همراه حسین جعفریان تصاویری را گرفتیم که حاصل صبر کردن و منتظر موقعیت مناسب بودن بود؛ این کار را با هم در کوزوو تکرار کردیم و برخلاف گروه های متعددی که از ایران به آنجا رفته بودند و نتوانستند صبر کنند ما با صبر و تحمل موفق شدیم بهترین صحنه ها و سوژه ها را شکار کنیم.



## عدالت پناه از ظلم ها می گوید

# «داد»؛ روایت اعتراض به ناکارآمدی

را پیدا کرده و سینما را با قشری که از آن دور بوده اند آشتی داده است.

کار مهم عمار این بود که به مقابله با بی عدالتی رسانه‌ای پرداخت و کاری کرد که حتی دور دست‌ترین نقاط کشور هم مستندهایش دیده شود و البته این را هم بگویم که مخاطبین عمار را در هیچ جشنواره‌ای ندیده‌ام.

این جشنواره باعث شد که سینما، مردمی شده و صدای کسانی که شنیده نمی‌شد، به گوش برسد.

### پیشنهادی به فیلمسازان

ما در مسائل سیاسی و تاریخ غنی ایران سوژه‌های خوبی داریم که می‌شود روی آنها مانور داد ولی بهتر است افراد به سراغ سوژه‌های شهرستان خودشان بروند و آن افراد گمنام را نشان دهند. پیشنهاد می‌کنم به جای انتخاب سوژه‌های بزرگی که در رسانه منتشر شده است به سراغ افرادی بروند که تا الان کسی به سراغشان نرفته و با وجود داستان‌های زیبایی که دارند، ناشناخته باقی مانده‌اند.

عمار باید روی اکران شهرستان‌ها بیشتر توجه کند ولی نه به این معنا که از خود تهران غافل شود، الان بسیاری از مساجد تهران هستند که هنوز با عمار آشنا نیستند و این همت جشنواره را برای افزایش آگاهی می‌طلبد.

چندین نوبت پیگیر اعتراض کامیون داران در بندرعباس شدم و احساس کردم با مطرح کردن این موضوع شاید بتوانم کاری در جهت آرمان‌های انقلاب کرده و حقی را بستانم.

### مشکلات ساخت «داد»

ما برای تولید این اثر مجبور شدیم چند بار به سراغ کارگراها و کامیون داران یزد برویم که این مسئله در کنار مسائل تصویربرداری و ساخت مستند کار را برای ما دشوار می‌کرد.

مستند «داد» تاکنون در هیچ جشنواره‌ای حضور نداشته و قصد ما این است که این کار را در جشنواره عمار با حضور اصناف مختلف رونمایی کنیم.

### جشنواره عمار

دو مستند درباره مظلومیت شهدای یمن و مشکلات ایران با کشور عربستان را در دست ساخت داریم که فیلمنامه‌شان نوشته شده و در مراحل ابتدایی تولید است.

سال ۸۹ برای اولین بار پوستر این جشنواره را دیدم و پیگیری کردم، وقتی برای افتتاحیه وارد سینما شدم به غیر از نگهبانان کسی در سالن نبود و فیلم تنها برای من و صندلی‌های خالی پخش می‌شد.

الان اخبار جشنواره عمار در کشور را پیگیری می‌کنم و می‌بینم که در بین مردم جای خودش

حجت الله عدالت پناه، کارگردان مستند «داد» طی گفتگویی درباره ورود خود به عرصه هنری گفت: نحوه آشنایی من با این عرصه به ۱۰ سال پیش برمی‌گردد که انجام کار هنری را شروع کردم و به مرور جلو آمدم تا این که مستندسازی را پیش گرفتم.

بنده تا الان بیش از ۱۵ اثر را کارگردانی کرده‌ام و عنوان اولین مستندی که ساختم «حماسه فراموش شده» با موضوع تاریخ انقلاب بود که این اثر در دومین دوره جشنواره عمار هم حضور داشت.

### موضوع مستند «داد»

این کار روایتی از برخورد سلیقه‌ای بسیاری از مسئولین با اعتراضات صنفی است که ما قصد داشتیم بگویم، چرا وقتی گروهی اعتراضی دارد نمی‌گذارند حرفشان را بزنند و با آنها به صورت نامناسب برخورد می‌شود.

در رابطه با برخورد نامناسبی که با تجمع اصناف شده بود اخبار جسته و گریخته‌ای به گوشمان می‌رسید که یک بار تصمیم گرفتم خودم در تجمع صنف پرستاران نسبت به بحث بیعدالتی حضور پیدا کرده و از نزدیک با آن روبرو شوم.

پیشنهاد ساخت این مستند از طرف جنبش دانشجویی عدالت‌خواه به ما مطرح شد و

مجتبی محمودی از ورشکستگی می‌گوید

## تعطیلی کارخانه‌ها در «یک روز به عید»

مجتبی محمودی متولد سال ۱۳۶۰ در شهرستان قزوین است. با ورودش به انجمن سینمای جوان در سال ۷۸ با عرصه هنری آشنا شد. از نیمه دوم دهه ۸۰ به صورت حرفه‌ای شروع به کار می‌کند و مستند «یک روز به عید» ششمین مستندی اوست.

### کارنامه

جدی‌ترین کارم یک مستند نیمه بلند به اسم «عید خون» با موضوع بررسی وقایع انقلاب مشروطه در قزوین بود که آن را در سال ۹۳ تولید کردم. یک مجموعه ۴ قسمتی در سال ۸۶ با موضوع عملیات کربلای ۴ ساختم. مستند «فراموش شدگان» هم با موضوع شهرک صنعتی اشتهارد و مشکلات آن هم اثر بنده است؛ با آثاری که تولید کرده‌ام در جشنواره‌های زیادی مثل رویش، سینما حقیقت و بسیاری دیگر حضور داشته‌ام.

الان در حال تولید کاری درباره جلال آل احمد هستم که در مرحله تدوین است و کار دیگری درباره نامه‌هایی که در زمان جنگ، کودکان به دست رزمندگان می‌دادند را در دست تولید دارم که الان سه تا از آن نامه‌ها را در اختیار داریم و دنبال نویسنده‌اش هستیم.

### «یک روز به عید»

قدیمی‌ترین شهر صنعتی ایران با عنوان البرز در شهرستان قزوین واقع شده است؛ یک کارخانه‌ای در آنجا به اسم «تید» است که قدیمی‌ترین واحد نساجی مدرن ایران بوده و در دهه ۴۰ تأسیس شده است؛ این کارخانه به دلایلی در سال ۹۰ ورشکست شد و ما در این مستند به آن پرداخته‌ایم.

نگاه «یک روز به عید» به تأثیر سیاست‌های غلط دولت و مدیریت کارخانه است. ما در ضمن آن به تعطیلی کارخانه و اتفاقاتی که برای کارگران پیش آمد پرداخته‌ایم.

یک ضرب المثلی هست که می‌گوید «شکست، پدر

ندارد»، مشکلی هم که ما در تولید این اثر داشتیم به نحوی بود که هیچ کدام از مدیران کارخانه با ما همکاری نکردند و ما هم بالتبع نتوانستیم به کارخانه وارد شویم و این اسنادی هم که در فیلم می‌بینید با جنگ و دندان گیر آوردیم.

### سینمای ایران

بنده راجع به سینمای فیلمهای داستانی نمی‌توانم نظر تخصصی بدهم؛ ولی به نظرم امسال در بخش مخاطب خیلی وضعیت بهتر بود. الان مستند سازان در آثارشان از ساختار درام استفاده کرده و سوژه‌های خوبی را انتخاب می‌کنند که این اتفاق باعث شد قدم‌های خوبی در این راستا بردارند ولی به دلیل نبود عرضه صحیح مردم نمی‌توانند آن را ببینند تا از مستند استقبال کنند. ولی مشکلی که وجود دارد این است که اگر تیراژ اول بیشتر فیلم‌ها را حذف کنیم و اسم یک کارگردان برای همه شان بزنیم هیچ کس متوجه نمی‌شود. این نشان می‌دهد ما در آثارمان تنوع نداریم.

### نحوه انتخاب موضوع

برای انتخاب موضوع طبیعتاً باید تجربه زیسته کافی داشته باشیم که فکر می‌کنم در این قضیه ما ضعیف هستیم؛ ما نه آدمی می‌بینیم، نه فضایی را تجربه می‌کنیم، نه پژوهش می‌کنیم و نه مطالعه کافی داریم که اگر به این نحو باشد نمی‌توانیم موضوعات خوبی را انتخاب کنیم همان طور که تصویر مستند در ذهن همه ما این است که یک پیرمردی نشسته

و ۱۰ سال است که یک کاری را دارد انجام می‌دهد. اگر تجربه زیسته‌مان را تقویت کنیم مکان‌های جدید و آدم‌های جدید ببینیم، از اتفاقات جهان با خبر باشیم می‌توانیم فرمهای جدید را امتحان کنیم و موضوعات خوبی را برای تولید مستند انتخاب کنیم.

### جشنواره عمار

تقریباً چهار سال است که با جشنواره عمار آشنا شده‌ام ولی تا الان در آن حضور پیدا نکرده بودم. در روز چهارم جشنواره برای اکران فیلمم حضور پیدا کردم؛ آنقدر خلوت بود که توی ذوقم خورد؛ این اولین بارم بود که به جشنواره عمار می‌آمدم ولی متأسفانه با تصویر مناسبی از استقبال‌ها روبرو نشدم البته این مربوط به ساعت ۱ ظهر بود؛ ممکن است بعد از ظهر بهتر بوده باشد.

در فضای جشنواره‌ها یک قطب بندی وجود دارد که این خیلی به کار ضربه می‌زند، الان بچه‌های ارزشی جشنواره‌ای دارند به اسم جشنواره عمار و بچه‌هایی هم که یک مقدار فضایشان فرق می‌کند یک جشنواره دارند به اسم سینما حقیقت که این دو قطبی شدن خیلی آزار دهنده است و به هر دو طرف ضربه می‌زند.

امسال در جشنواره حقیقت حضور داشتیم و دیدم بخشی در آن بود که به مسائل سوریه و مدافعان حرم می‌پرداخت که من خیلی خوشم آمد؛ فکر می‌کنم؛ جشنواره عمار نسبت به جشنواره حقیقت یک مقدار خط‌کشی تر شده است که این خیلی از مخاطبان را از آن دور می‌کند.



۵

گفت و گو





پژمان عرب از کار با ثریا می گوید

## مزیت جمعیت در «هزار و چهارصد و تنها»

هستم می توانم احساس کنم با تهرانی هایی که در این فعالیت حضور دارند با هم در یک عملیات و هم سنگریم .

در جشنواره عمار هر کسی به نوبه خودش کار را پیش می برد به طور مثال اگر من امکان ساخت مستند ندارم ولی می توانم اکران کنم، اگر وسایل پخش ندارم تبلیغات را بر عهده می گیرم یا اگر راننده اتوبوس هستم در ماشین خودم مستندها را پخش می کنم و این نشان می دهد که عمار جدی ترین فعالیت فرهنگی بعد از جنگ است .

عمار به جایی رسیده است که خود مردم با ایده دادن و نگاهی که به فیلم دارند آن را رسانه ای می کنند حتی با استقبال خودشان به فیلم سازان جهت می دهند و اگر عمار مردمی بماند از افت ها دور می شود.

### مستند سازی و سینما

به نظرم در ساخت مستند باید اینگونه رفتار کنیم که مثلا اگر می خواهیم اقتصاد مقاومتی بوشهر را نشان دهیم باید برویم سراغ صیادی بوشهر یا ببینیم برای میگوآن چه اتفاقی افتاده است نه این که ۴ تا استاد بیایند درباره آن صحبت کنند.

هر کسی نباید فیلم ساز شود اگر کسی حرفی هم برای گفتن دارد و احساس می کند این حرف آن قدر ارزش دارد که باید گفته بشود می تواند با یک فیلم ساز صحبت کند و این کار را به او بسپارد.

در بسیاری مواقع ما نسبت به همزمان جبهه خود و کسانی که در وسط میدان شمشیر می زند بی تفاوت هستیم به طور مثال فیلم «یتیم خانه ایران» ساخته شده است و کسی به آن توجه نمی کند حتی کسانی که در این عرصه مدعی هستند حاضر نشدند در صفحات مجازی خود با چند ده هزار مخاطب این فیلم را با یک پوستر کوچک تبلیغ کنند.

اقتصادی تامین کرد به طور مثال اگر کودک یک خواهر یا برادر داشته باشد بهتر از این است که یک تبلت داشته باشد یا مثلا کودک با داشتن عمو و خاله یا پسر عمو و اقوام دیگر نیازهای عاطفی اش که بسیار مهم است تامین می شود.

### نحوه ساخت مستند «هزار و چهارصد و تنها»

تصویربرداری این مستند حدود دو ماه و تدوین آن یک ماه زمان برد. به دلیل اینکه تهیه کنندگی این مستند بر عهده برنامه تلویزیونی ثریا بود از لحاظ مالی از آنجا تامین می شدیم.

«هزار و چهارصد و تنها» را می توان یکی از فیلم در بسیاری مواقع ما نسبت به همزمان جبهه خود و کسانی که در وسط میدان شمشیر می زند بی تفاوت هستیم به طور مثال فیلم «یتیم خانه ایران» ساخته شده است و کسی به آن توجه نمی کند حتی کسانی که در این عرصه مدعی هستند حاضر نشدند در صفحات مجازی خود با چند ده هزار مخاطب این فیلم را با یک پوستر کوچک تبلیغ کنند.

### جشنواره عمار

عمار جدی ترین فعالیت فرهنگی بعد از دفاع مقدس است که با همان کارکردها همه گیر شد و خیلی از مناطق ایران را درگیر خودش کرد؛ یعنی مثل زمان جنگ از پیر تا جوان در این حوزه برای خودشان کار تعریف می کنند به طور مثال من که شهرستانی

«پژمان عرب» کارگردان مستند «هزار و چهارصد و تنها» در گفتگویی از نحوه آشنایی خود با عرصه هنری گفت: رشته تحصیلی بنده مدیریت رسانه است و الان از عوامل برنامه تلویزیونی ثریا هستم . این اولین کار مستقیم بود و شروعی شد برای ساخت مجموعه ۵ قسمتی جدیدی در حوزه اقتصاد مقاومتی .

آشنایی من با فضای مستندسازی به سومین دوره جشنواره عمار برمی گردد که بنده دبیر اکران بودم ولی از لحاظ کاری خودم اثری را نساخته بودم البته تحقیقات مستند «دست ها فریاد می زند» که دوره گذشته به جشنواره ارسال شد بر عهده من بود.

### موضوع مستند «هزار و چهارصد و تنها»

موضوع این مستند درباره مبحث جمعیت است ولی با حرف هایی که قبلا در این حوزه زده شده بود کمی تفاوت دارد. ما سعی کردیم به جای اینکه از طرف نهاد های حاکمیت و تصمیم گیر به صورت انتقادی با خانواده ها صحبت کنیم با ایجاد فضای صمیمی و گفتمانی حرفمان را به مخاطب بزنیم.

برای ساخت این مستند سخنان رهبری را خوانده و کارهای قبلی تولید شده را دیدم و متوجه شدم حرف هایی که زده اند کمی باعث ترس مردم می شود پس تصمیم گرفتم یک پله جلوتر بروم و فضای مثبتی را ایجاد کنم و در آن از مزیت جمعیت بگویم.

### ایده و هدف مستند «هزار و چهارصد و تنها»

قبلا در برنامه ثریا برنامه ای با این موضوع تولید کرده بودیم ولی ما قصد داشتیم در این مستند موضوع را بازتر کرده و نشان دهیم که بر خلاف تفکر عده ای کم شدن جمعیت میزان رفاه را بالا نمی برد مگر اینکه فقط از بعد اقتصادی نگاه کنیم .

اگر همه ابعاد رفاه را در نظر بگیریم متوجه می شویم خیلی از نیازهای معنوی را نمی شود با مسائل

# «هزار و چهارصد و تنها»، حرف‌های جدی اما بی تکلف

حمیدرضا حیدری

چند سالی است که از شروع پخش برنامه تلویزیونی ثریا می‌گذرد و کمتر فردی پیدا می‌شود که این برنامه را نشناسد، برنامه‌ای که با مساله شناسی درست و پویا به سراغ جدی‌ترین فرصت‌ها و تهدیدهای انقلاب اسلامی رفته و به نحوی بخش قابل توجهی از وظیفه سازمان صداوسیما را برعهده گرفته است. «هزار و چهارصد و تنها» یکی از مستندهای تولید شده توسط این برنامه بوده که اثری قابل تحسین در موضوع مورد بحث خود محسوب می‌شود. فیلمی که دیدی ترکیبی به موضوع داشته و فقط از منظری خاص و محدود به مسئله نپرداخته است.

فیلم با مصاحبه‌های مردم شروع می‌شود، مردمی از تیپ‌های مختلف اجتماعی که نظر خودشان را نسبت به مقوله کاهش جمعیت و کم شدن فرزندان بیان می‌کنند و این باعث می‌شود بیننده فیلم، نظر شخصی خود را در کلام یکی از مصاحبه‌شوندگان یافته و در آستانه ورود به روال تحلیلی مستند، گاردی که ممکن است نسبت موضع فیلم ساز داشته باشد را کنار بگذارد.

یکی از نقاط قوت فیلم توزیع لحظات عاطفی در کل فیلم است، هر از گاهی تصاویری از کودکان تنها نشان داده می‌شود و آن‌ها نیز فرصت اظهار نظر

«هزار و چهارصد و تنها» را می‌توان یکی از فیلم‌های رسالت محور دانست که به دور از دنیای شخصی فیلم ساز در پیوندی عمومی با جامعه، حرف خود را می‌زند و به بیان فلسفی، فیلمی ابژکتیو است تا سوژکتیو.

می‌یابند، که باعث می‌شود تحلیل بازویه نگاه خود سوژه نیز تکمیل تر شود. یکی از مؤلفه‌هایی که تا حدودی به این مستند آسیب وارد کرده، انتخاب

موسیقی و صداگذاری است؛ موسیقی‌ها بیش از حد سوار بر تصاویر هستند و دیگر جنبه مکمل بودن ندارند، بعضی از موسیقی‌ها نیز تکراری بوده بارها شنیده شده‌اند و با کلیت فیلم که اثری است با پژوهش خوب و زحمت زیاد هارمونی ندارند. یکی از نقاط قوت مستندهای ثریا که در این فیلم نیز رعایت شده است، پرهیز از نریشن می‌باشد، البته منظور نگارنده مذموم یا نامناسب بودن نریشن نیست، اما استفاده نابجا از نریشن نیز می‌تواند یک اثر را در دام زیاده‌گویی و شعار بیندازد.

مساله مهم دیگر که از این مستند و کارهای دیگر ثریا، آثاری مفید می‌سازد، خاص نبودن سوژه هاست؛ بار روایت بر سوژه‌ای محدود منحصر نشده و امکان تعمیم موضوع به سایر موقعیت‌ها پابرجا مانده است. در مجموع «هزار و چهارصد و تنها» را می‌توان یکی از فیلم‌های رسالت محور دانست که به دور از دنیای شخصی فیلم ساز در پیوندی عمومی با جامعه، حرف خود را می‌زند و به بیان فلسفی، فیلمی ابژکتیو است تا سوژکتیو.

فیلم  
چهارصد و تنها

۷

نقد





درنگی در معنای مردمی بودن و سینما با نگاه به جشنواره فیلم عمار

## مردم؛ بلعنده یا متولی؟

محمد رضا وحیدزاده

می‌شوند؛ چیزی که به گفته نظریه‌پردازان هنر با ذات آن در تعارض است. این چنین است که هنرمندانی مثل مارسل دوشان یا اندی وارهول در عیان علیه این وضعیت با خلق آثار هجوآمیزی چون چشمه یا حاضرآماده‌ها اقدام به استهزای هنر مصرفی عصر جدید می‌کنند. آن‌ها از طریق نمایش چنین آثاری قصد دارند به احیای موقعیت هنرپردازند و امر هنری را دوباره به جایگاه اصلی خود بازگردانند. به اعتقاد برخی از منتقدان جامعه‌شناسی هنر، اتفاقی که در این دوران با جنبش‌های هنری مدرنی چون کویسیسم، دادئیسیسم، انتزاع‌گرایی و... می‌افتد، ادامه همان خط سیر تاریخی پیشین اما در شرایطی جدید است. در این دوران نیز هنر همچنان با هاله‌ای نوری و مقدس همراه است که هرکسی را سعادت دست یازیدن به آن نیست. اما اکنون این کلیسا یا دربار نیست با پرداخت قیمت گزاف هنر، اجازه ورود به حریم آن را می‌یابد. اکنون حصار پیرامون هنر، نه از جنس سکه‌های طلائی پاپ و لویی، بلکه از سنجی دیگر است. حالا این مسئله «درک» است که گروه صاحبان آثار هنری را تحدید می‌کند. در دوره جدید هرکسی را توان درک هنری و راه یافتن به بازگام سحرآمیز هنر نیست. بسیاری از مردم درک صحیحی از آثار هنری ندارند و نمی‌توانند زیبایی عجیب و غریب یک تابلوی نقاشی از هنرمندی چون جکسون پولاک را درک کنند. آن‌ها فقط می‌دانند که پولاک هنرمند بزرگی است که نقاشی‌های او از برجسته‌ترین آثار هنری قرن محسوب می‌شود. اما چرا؟ عامه مردم برای این سؤال پاسخی در آستین ندارند. آن‌ها باید همچون مردمان پیشین که با حیرت شاهد حضور آثار هنری در نزد طبقات خاصی از اجتماع بودند، بی‌آنکه خود سهمی از آن داشته باشند، اکنون هم نظاره‌گر آثاری باشند که تنها طبقات محدودی از اجتماع و گروهی اندک، ارزش زیبایی‌شناختی آن‌ها را درک می‌کنند و از

خود هنرمند بود که با قرار گرفتن زیر چتر حمایت یکی از این نهادهای قدرتمند اجتماعی، به خرید و فروش درمی‌آمد. در این مناسبات مردم صرفاً تماشاگر انگشت‌به‌دهان هاله مقدس هنر بودند. آن‌ها با شگفتی به کلیسا یا دربار می‌نگریستند و در شکوه افسونگر آثار هنری غوطه می‌خوردند. در این معادله، سهم توده‌های اجتماع بیش از این نیست. آن‌ها حتی امکان اندیشیدن به مالکیت آثار هنری را ندارند.

«هزار و چهارصد تنها» را می‌توان یکی از فیلم اکنون روح مصرف‌گرایی بشر اومانیست عصر جدید، دهان گشوده بود تا هر چیزی را بلعد. خواه مزارع ذرت باشد، انرژی بخار، یا کالای هنری؛ تفاوتی در اصل موضوع نمی‌کند. از این روست که همه چیز به سوی مصرفی شدن گام برمی‌دارد، حتی هنر.

اما با ورود به دوران مدرنیته و شکل‌گیری تحولات اجتماعی و فرهنگی عمیق مرتبط با آن، در حوزه هنر نیز تغییراتی پیش آمد.

اکنون روح مصرف‌گرایی بشر اومانیست عصر جدید، دهان گشوده بود تا هر چیزی را بلعد. خواه مزارع ذرت باشد، انرژی بخار، یا کالای هنری؛ تفاوتی در اصل موضوع نمی‌کند. از این روست که همه چیز به سوی مصرفی شدن گام برمی‌دارد، حتی هنر. بشر مدرن می‌خواهد هر چیزی را مصرف کند. اکنون هنرمندان به بازار می‌آیند و آثار هنری خرید و فروش

سخن گفتن از جشنواره فیلم عمار یعنی سخن گفتن از سینمای مردمی؛ یعنی همان چیزی که عمار مدعی آن است و شعار اصلی خود را در طی این سال‌ها، رسیدن به آن اعلام کرده است. پس برای شناخت بهتر این جشنواره باید در مفهوم سینمای مردمی و به تبع آن «هنر مردمی» تأمل کرد.

هنر مردمی چیست؟ پاسخی که منابع رسمی مطالعات هنری و کتاب‌های آکادمیک موجود در شاخه‌هایی چون جامعه‌شناسی هنر یا نقد هنری به این پرسش می‌دهند پاسخی روشن است: کوسه ریش‌پهن! از نظر این منابع مفهوم هنر مردمی مفهومی ماهیتاً پارادوکسیکال یا متناقض‌نماست. پس برای روشن‌تر شدن مسئله، بحث را از خط روایی همین منابع پی می‌گیریم. به روایت منابع مدرسی و معتبر جامعه‌شناسی هنر، هنر مقوله‌ای است که باید ذاتاً آن را امری اسطوره‌ای، همراه با هاله‌ای مقدس پیرامون آن دید. هنر پدیده‌ای نامتعارف و برجسته است که شأن آن در جامعه اجل از سایر امور است. اساساً هنر امری است مستقر در جایگاهی والا و برتر. از این روست که بحث مالکیت نیز در آن دستخوش دگرگونی است. در این معنا هنر کالایی نیست که بتوان به آسانی آن را خرید و فروش کرد. اسب نیست که هرکسی بتواند به بازار برود و با پسندیدن یک رأس از آن، مبلغی را بپردازد و آن را به خانه آورد. اثاث و اسباب نیست که قابل‌گزینش و خریداری باشد. هنر امری است که تنها طبقات محدودی از اجتماع می‌توانند مالک آن باشند.

به همین جهت است که در گذشته فقط کلیساها، شاهان یا گروهی از اشراف‌زاده‌ها بودند که تمکن لازم برای تصاحب آثار هنری را داشتند. در گذشته تعامل با هنرمند و تأمین هزینه‌های تولید یک اثر هنری امری بود که جز در يد قدرت نهادی چون کلیسا یا دربار نبود و حتی گاهی در این تعاملات اساساً این



# جشنواره عمار و روایت انسان انقلاب

حجت الاسلام مجتبی نامخواه



۹

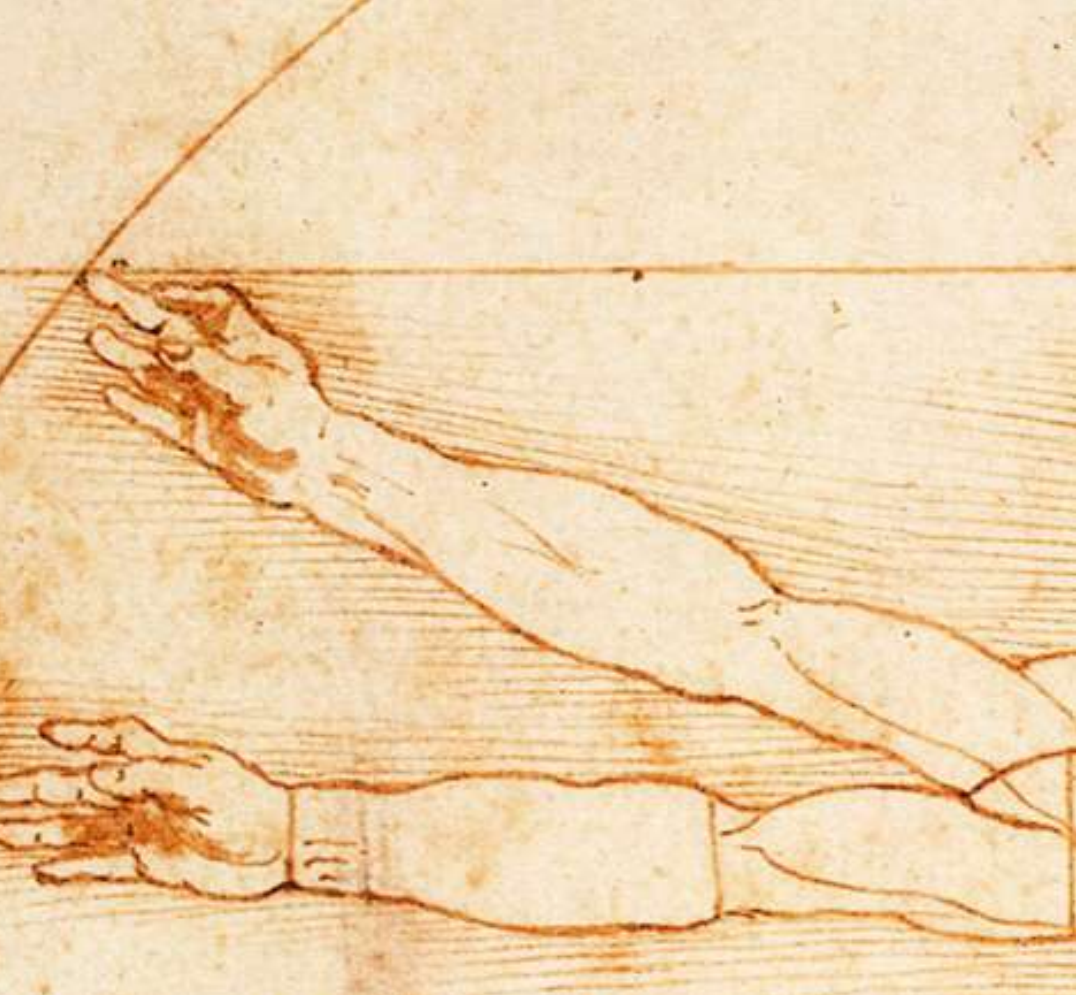
یادداشت

سینما در تحقق وجودی خود با امر مدرن و در تکون معرفتی خود با «انسان مداری» و «جذابیت» پیوند دارد. مدار روایت در سینما «انسان» است. یک اثر سینمایی اگر بخواهد یک اثر سینمایی باشد گریزی از این ندارد که بر مدار انسان بگردد. این ویژگی سینما است و در ضرورت پابندی به آن میان گونه‌های گوناگون مستند و داستانی تفاوت چندانی وجود ندارد. اعراض از انسان ممکن است یک اثر غیر انسان مدارانه به دست بدهد اما از ایجاد یک اثر سینمایی باز می ماند. راه گریز از سیطره‌ی مذهب اومانیستی حاکم بر صنعت سینما، فرار از انسان نیست. چاره، در طرح این پرسش است که «کدام انسان؟» محور روایت است؛ چاره کوشش است برای پاسخ به این پرسش از مسیر «انسان محوری اسلام».

ما در جشنواره عمار شاهد کوشش‌های فراگیری هستیم برای پاسخ به این مسئله؛ کوششی که البته راه خود را نه از تولید «نظر» که در خلق «اثر» می جوید. ما در جشنواره عمار به آثار، سیاست‌ها، نشانه‌ها و حاشیه‌هایی بر می خوریم که در یک نگاه، همگی می‌کوشند انسان انقلاب، انسان‌های کاملاً معمولی را روایت کنند.

جشنواره عمار محل دیده شدن مستندهایی است که بر مدار انسان‌های انقلاب می‌چرخد. انسان انقلاب یعنی کسی که از «من» و داشته‌هایش گذشته، یک انقلاب درونی و انسانی را تجربه کرده و به انسان متمایزی بدل شده که کنش‌های اجتماعی‌اش یک‌سره معطوف به حقیقتی است تحت عنوان انقلاب اسلامی. این «عبور از من» ممکن است شامل تمام یا بخشی از زندگی انسان انقلاب باشد. «شهید» آن انسان انقلابی است که از تمام زندگی‌اش گذشته است؛ با این حال انسان‌های انقلابی بی شماری هستند که «خیلی معمولی» به نظر می‌رسند و خیلی هم معمولی زندگی می‌کنند. ممکن است چوپان، کشاورز، یا یک نانوا باشند ولی به واقع و به واسطه گذشت‌ها و گذشته‌هاشان، همچنین به واسطه زندگی‌های امروزشان می‌توانند تجسم یک انسان انقلاب باشند. انسان‌هایی که در اغلب مستندهای جشنواره عمار، محور اثر هستند تنوعی دارند که انسان را به یاد روایت‌نریشن‌های شهیدآوینی از تکرر رزمندگان جبهه‌ها می‌اندازد. انسان‌هایی با زیست‌بوم‌ها و تجربه‌زیسته‌های متمایز و بلکه در اوج تکرر و تمایز، و در عین حال در یک وحدت ذاتی؛ ما به نحو شگفت‌انگیزی درک می‌کنیم چوپان محور مستند «ایران سبز» و نانوا محور «پهلوان تلگرد» و پزشک و وزیر سابق که محور مستند «گل‌های روی دیوار» است، همگی در یک وحدت عجیب، به هم شبیه هستند.

در دوره‌ی فقر توان روایت قهرمان؛ ما در جشنواره عمار روایت‌های مستندی می‌بینیم در مورد انسان‌های به ظاهر معمولی. ممکن است این انسان معمولی به شهادت هم رسیده باشد اما ما روایت نیمه‌ی معمولی زندگی او را می‌بینیم. البته به این معنی نیست که مستندهای عمار چیزی از جنس مستندهای مردم‌نگارانه هستند. در مستندهای عمار، با همه تنوع در سازندگانشان، ما با نوعی توافق و عهد نانوشته مواجهیم: دوربین مستندساز هیچ‌گاه از بالا، انسان‌های معمولی را روایت نمی‌کند؛ فاعل سازنده‌ی مستند (سوژه) هیچ‌گاه به ابژه‌ی خود نگاهی تحقیرآمیز یا استعلائی ندارد و حتی از او فاصله نمی‌گیرد. از اساس گویا دوربینی وجود ندارد. در آثار جشنواره عمار، مردم روایت خود و مسئله‌های خود را با نوعی بی‌واسطگی می‌بینند؛ به همین دلیل در اکران این آثار و در تماشا و حتی در ساخت‌شان مشارکت دارند.



جامعه‌اند. نسبت مردم با انقلاب چیست؟ آیا آن‌ها همان گروه دمو در موقعیت کراسی هستند که حکومت باید در خدمت حوائج و مشتبهات نفسانی آن‌ها و به تعبیر دیگر مورد مصرفشان باشد؟ یا آنکه میان آن‌ها و حکومت نسبتی دیگر است؟ نسبتی که به موجب آن حقی بر گردن آن و حقی بر گردن این و تکلیفی بر عهده‌ی این و تکلیفی بر عهده‌ی آن خواهد بود؛ حقوق و تکالیفی که نتایج آن را باید در همه‌ی ساحات، از جنگ تا سازندگی و از اقتصاد تا سینما ادامه داد. اکنون به نظر می‌رسد مفهوم «مردم» تا حدودی در حال تبیین است. در این نسبت، مردم صاحب سینما هستند نه بلعنده‌ی آن. آن‌ها را حقی بر گردن سینماست و در خصوص سینما نیز تکلیفی بر عهده‌ی شان. در اینجا وظیفه‌ی سینما صرفاً سرگرم کردن مخاطب و تکلیف مخاطب تنها بالابردن آمار فروش گیشه‌ها نیست. مخاطب در این معادله خود صاحب سینما و به عبارتی سهام‌دار آن است. سینما نیز قرار نیست هنری دور از دسترس و وهم‌آمیز و ملاکی برای تشخیص‌های اجتماعی یا از سوی دیگر کالایی بصری، صرفاً برای کسب لذت بیشتر باشد. سینما در برابر مخاطب رسالتی دارد و مخاطب در برابر سینما مسئولیتی. سینما برای مردم است پس باید جذب و گیرا باشد و برآمده از مردم است، پس باید تذکردهنده و برون‌آورنده‌ی مردم از خویشستن و وسیله‌ی رسیدن آن‌ها به حقیقت باشد؛ و مردم صاحبان آن‌اند، پس باید متولی و توزیع‌کننده آن نیز باشند و خود عهده‌دار نقش رساندن آن به دیگران و البته آگاه از سطح و کیفیت آن و نقش‌آفرین در گزینش آثار برتر و برجسته‌تر. اکنون باید دید جشنواره فیلم عمار با ادعای مردمی بودن به معنایی که در این مختصر شرح آن رفت، چه میزان با توفیق فرین بوده است؟ به نظر می‌رسد شش دوره برگزاری این جشنواره سنگ خوبی برای محک چنین مدعایی است.

این طریق می‌توانند به نوعی صاحب آن‌ها محسوب شوند. البته نباید فراموش کرد که به موازات این جریان، هنر بازاری نیز مسیر خود را همچنان پر قدرت و بی‌امان ادامه داده است و همانا در این راه توانسته ساز و کارها و ساختارهای پیچیده‌ای را برای خود طراحی کند. چنانکه شاخص‌ترین جلوه‌ی هنر بازاری در عصر حاضر را باید هالیوود دانست که خود مبدل به یکی از صنایع عظیم و سودآور در آمریکا شده است. حال با این مقدمه نسبتاً طولانی می‌توان در مفهوم هنر مردمی دوباره اندیشید. آیا هنر مردمی اساساً امکان وقوع دارد؟ و در آن صورت تکلیف آن هاله‌ی نورانی چه خواهد شد؟ و بر فرض امکان تحقق، ساز و کار ادامه‌ی حیات آن چیست؟ آیا این هنر می‌تواند به اتکای جلب نظر مشتریان خود، به چرخه‌ی اقتصادی سالمی هم دست یابد؟ و ده‌ها پرسش دیگر که هر یک نسبتی با نقد هنری، جامعه‌شناسی هنر و اقتصاد هنر می‌یابند. اما شاید پیش از پاسخ‌گویی به چنین پرسش‌هایی لازم باشد، در معنای «مردم» در هنر مردمی کمی بیشتر بیندیشیم. آیا هنر مردمی همان پابلیک‌آرت است یا باید آن را در بستر معنایی دیگری بررسی کرد؟ آیا منظور از مردم در این جا همان فرد منتشر مصرف‌کننده خودبنیاد غربی است یا آنکه ریشه در مفهومی قرآنی چون «ملت» دارد؟ نسبت این مردم با انقلاب اسلامی چیست؟ این مردم که قرار است سینما متعلق به آن‌ها باشد، به نوعی مشتری، خریدار یا مصرف‌کننده آن‌اند؟ آن‌ها قرار است این سینما را مصرف کنند یا باید نسبت دیگری میان آن‌ها و سینما فرض کرد؟

شاید بهتر باشد جهت حصول سریع‌تر نتیجه، برای تأمل در این پرسش‌ها ابتدائاً به ماهیت انقلاب اندیشید و در یک رفت و برگشت کوتاه، نخست از سینما به انقلاب رسید و سپس از انقلاب به سینما؛ همان انقلابی که صاحبان اصلی آن پابرهنگان

کرباسی از مراحل ساخت مستند جنجالی اش می گوید

# «شب‌نامه»: مستندی جاسوسی در کانال تلگرام

براین که می‌خواهند کاری کنند تا کانال شب‌نامه از دسترس خارج شود و حدود ۳ هفته پس از این تماس کانال از دسترس خارج شد و امکان ورود به آن را نداشتیم و مدیریت کانال در اختیارمان نبود و سرخ‌هایی در رابطه با این افراد پیدا شد و پیگیری‌هایی در این زمینه صورت گرفت و پس از این اتفاق، اکانت اینستاگرام و تویتر را فعال کردیم و در کنار آن سایت شب‌نامه را نیز راه‌اندازی کردیم.

## چه کسانی شب‌نامه را دیدند؟

حدود ۱۱۰۰ اکران در بازه زمانی ۲ ماهه در مکان‌های مختلف از جمله دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمی و مراکز نخبگانی داشته‌ایم و بحمدالله بازخوردها مثبت بوده‌اند و جو سازی ایجاد شده از سوی سیستم استارت‌آپی که توسط عده‌ای انجام شد، براین دیده شدن مؤثر بود و با توجه به این استقبال امیدواریم کار به بازدهی مالی برسد.

از شخصیت‌های فرهنگی و سیاسی کشور هم آقایان بهروز افخمی، وحید جلیلی، حسن عباسی و سلیم غفوری کار را دیده‌اند که خوشبختانه از ریتیم، محتوا و جذابیت کار رضایت داشتند و صحبت‌هایی با آقای غفوری جهت پخش این مستند از صدا و سیما را داشته‌ایم.

## جشنواره عمار

جشنواره عمار حرکتی خوب و ارزنده در سینمای ایران است و جریان نویی را توانسته ایجاد کند، البته به نظر من جشنواره باید بر ابعاد فنی و سینمایی کارها تأکید کند تا شاهد ارتقاء کیفیت آثار باشیم و این جشنواره می‌تواند زمینه‌هایی جهت حضور و تعامل فیلمسازان عمار با متخصصان مشاغل سینمایی در بخش‌های مختلف را ایجاد کند.

در ابتدا تصورمان این بود که نهایت کار ۷۰ دقیقه باشد، اما زمانی که وارد پروسه تصویربرداری شدیم کشتش اتفاقاتی که در طول ماجرا برآیمان افتاد، سبب شد تا مدت زمان کار افزایش یابد و با توجه به بازخوردهای اثر بحمدالله مخاطب از ریتیم کار، فضای قصه و نوع روایت خسته نمی‌شود.

## موقعیت‌هایی که کاملاً مستندند

موقعیت‌های فیلم از جمله تعاملات با آدم‌های مختلف از جمله مواجهه با آقای شریعتمداری، زاکانی و فردوسی پور، دوربین مخفی‌های فیلم و حتی صحبت‌های دو نفره موقعیت‌هایی کاملاً مستند هستند و دیالوگ‌های تلگرامی نیز به صورت آنلاین ضبط شده و همان لحظه اتفاق می‌افتاد و برخی دیالوگ‌ها که قبلاً انجام شده بود را به صورت تصویری بازنمایی کرده‌ایم.

## نقش اطلاعات سپاه در تولید شب‌نامه

تعامل اصلی گروه ما با سازمان اطلاعات سپاه بود و پس از این که کانال تلگرامی تأسیس شد، این تعامل به صورت جدی آغاز شد و در برهه‌هایی که نسخه‌های اولیه کار آماده شد، این عزیزان کار را دیدند و در همان جلسات بحث مصاحبه با سیامک نمازی مطرح شد و هماهنگی‌های کار انجام شد.

البته مراحل جمع‌آوری اطلاعات موجود در مستند را در حین پژوهش انجام دادیم و در این میان یک سری اطلاعات جدید را به دست آوردیم و در اختیار عزیزان در اطلاعات قرار دادیم.

## سرانجام سازندگان مستند

با توجه به فضای افشاگرانه مستند تهدید‌هایی در این میان اتفاق افتاد و تماسی با ما گرفته شد مبنی

مهدی کرباسی، دانشجوی مهندسی صنایع شریف بود و از سال ۹۰ وارد عرصه مستندسازی شد و حدودی ۵ سالی است که وارد این عرصه شده‌ام و تا به حال آثاری از جمله خوان هشتم، فاکتور صوری را ساخته‌ام.

کرباسی، با اثر شب‌نامه به هفتمین جشنواره مردمی فیلم عمار آمده است. این اثر روایتی از پشت پرده یک کانال تلگرامی است که راوی آن دانشجوی مستندسازی است که قصد دارد وارد فعالیت‌های استارت‌آپی یا کسب و کارهای نوپا شود، اما در این مسیر وارد بازی بزرگی می‌شود که هیچ‌گاه فکر آن را هم نمی‌کرد.

## ماجراهای شب‌نامه

قبل از ساخت این مستند، بنده به همراه چند تن از دوستانمان به دنبال راه‌اندازی یک استارت‌آپ بودیم و در جلساتی که برگزار می‌کردیم با مواردی مشکوک روبرو شدیم و همزمان با این جریان برخی دوستان در معاونت محتوایی مؤسسه «سفیر فیلم» پژوهشی در همین موضوع را آغاز کرده بودند و جلسه‌ای برای ارائه این پژوهش‌ها گذاشتند و چند هفته‌ای روی ایده کار فکر کردیم تا به این نتیجه رسیدیم تا اطلاعات موجود را در قالب یک کانال تلگرامی منتشر کنیم و بدین شکل ایده مرکزی کار شکل گرفت.

## روایت فیلم

از زمان شکل‌گیری ایده تا پایان کار حدود ۱۰ ماه پروسه تولید این مستند به طول انجامید و سعی کردیم افزون بر این که مخاطب عام را از پشت پرده این جریان‌ها آگاه سازیم، جوانان را نیز با این مستند همراه کنیم.





## سواد سینمایی بچه حزب اللهی‌ها کم است

سیداحسان موسویان، طلبه جوانی که به همراه تعدادی از دوستان دغدغه مندش گروه فیلمسازی خودجوش را راه اندازی کرده و دربخش «فیلم ما» هفتمین جشنواره مردمی عمار شرکت کرده اند. در ادامه گفتگوی خبرنگار هفتمین جشنواره مردمی عمار با آقای موسویان را می‌خوانید.

### علاقه به فیلم‌سازی بهانه‌ شکل‌گیری این گروه شد یا دغدغه‌های مشترکی که داشتید شما را به هم وصل کرد؟

فیلمنامه‌ای داشتیم که به یکی از دوستانم که تحصیل‌اتش هم در زمینه تهیه‌کنندگی است پیشنهاد دادم. او هم خیلی استقبال کرد و جلسات دو نفره ما شروع شد و در نهایت بعد از بررسی‌های مختلف تصمیم به ساخت آن گرفتیم. اما چون به ارگان یا نهاد خاصی وصل نبودیم طبیعتاً وضع مالی چندان خوبی هم نداشتیم که بتوانیم یک فیلم با کیفیت مثلاً 4K ارائه کنیم یا دوربین رل تدارک بینیم و صدابردار از تهران بیاورم و مسائلی از این دست. لذا بنا بر این شد که به شیوه اقتصاد مقاومتی کار کنیم. ما دو-سه تار فیک داریم که کارشان تدوین و تصویربرداری است؛ تجهیزات نسبتاً خوبی هم دارند، قرار شد با همین‌ها کار کنیم. بعد از آن، جلسات پیش تولید را در منزل خودمان برگزار کردیم. در کل دوبار کار را ضبط کردیم چون بار اول از نتیجه کار راضی نبودم برای همین کار به دفعه دوم رسید که الحمدالله بار دوم خیلی بهتر شد و آن چیزی که می‌خواستیم شد.

من خودم طلبه هستم. یک روز با دوستان در حوزه نشستیم بودیم یکی از رفقا گفت کاری با چنین مضمونی می‌تواند کار خوبی بشود من هم فکر کردم دیدم قابلیتش را دارد. آن را نوشتم و بعد از بازنویس‌های متعدد به ایده خوب مناسب فیلم کوتاه تبدیل شد.

### هزینه‌های تولید فیلم، گروهی بود یا شخصی؟

به هر حال آن صدابردار و تصویربرداری که می‌آید یک حداقل هزینه‌ای می‌خواهد. درست است که رفیق است ولی ما هم دیگر نباید بی‌وجدان باشیم. تمام هزینه‌های کار از قبیل تدارکات، ایاب و ذهاب و... همه را خودم به عهده گرفتم چون نه ارگانی به ما کمک کرد و نه به وزارت وصل بودیم.

### طرح‌تان را به ارگان‌ها و نهادهای فرهنگی ارائه دادید؟



## اکران و اقتصاد

جمال یزدانی

اکران هزینه زیادی بر اکران‌کننده بار نمی‌کند، نه لازم است که توزیع‌کننده وجهی پرداخت کند، نه برای مکانی که قرار است در اکران صورت بگیرد هزینه‌ای می‌شود و معمولاً سخت‌افزار موردنیاز از سوی مصرف‌کننده تهیه می‌شود چرا که همه چیز در این فرآیند به صورت داوطلبانه صورت می‌گیرد. اما این امر به معنای غیراقتصادی بودن این کار نیست.

هیئت، ساختاری است که فرآیند اقتصادی را با خود داراست، چرا که مخاطبین از مشارکت مالی در این حوزه بهره‌مندی می‌برند، و انسان معتقد حاضر است برای تعمیق معانی خود هزینه نماید. حال اگر در هر حوزه‌ای مخاطب را به این سطح رساند که معنایی را بپذیرد، و بعد سازوکاری برای هزینه پرداختن در آن حوزه تهیه کرد.

بنابراین در این جا اکران‌کننده کاری بسیار سخت‌تر و متفاوت‌تر از فروشنده‌ها یا بازاریاب‌ها دارد که عمدتاً بر اساس تبلیغات، مخاطب را تحریک می‌کنند. اکران‌کننده باید خود معانی مستتر در اکران را فهم کرده باشد. و بعد بتواند انگیزه مخاطب را برای همراهی با این معنا تحریک کند. بعد از آن به درونی‌سازی معنا در مخاطب توجه کند. در این مرحله مخاطب کاملاً مبتنی بر آگاهی از معنا، آماده هزینه کردن در این حوزه می‌شود. هزینه پرداخت کردن از سوی مخاطبین، نشان‌دهنده شدت گره مخاطب به آثار تولیدی است. در اینجا البته مخاطب هر میزان پولی که پرداخت کند (نسبت به سطح اقتصادی‌اش) موفقیت اکران‌کننده در اکرانش را تضمین می‌کند. فرآیند اقتصادی اکران بر تولید بسیار موثر خواهد بود، چون هرچقدر تولیدکننده معانی را مردمی‌تر، کیفی‌تر و هنری‌تر ایجاد کرده باشد، در اکران بازخورد مالی بهتری خواهد داشت و این امر به تولید جهت می‌دهد.

این طرح را به دانشگاه آزاد، اداره ارشاد و موسسات مختلفی ارائه دادم ولی متأسفانه خیلی محترمانه مدام دور می‌زدند. برای من اصلاً مهم نیست که مثلاً فلان ارگان بیاید با من کار کند. من وظیفه خودم می‌دانم، حالا که به عرصه سینما و رسانه ورود پیدا کرده‌ام تا آخر راه بروم حالا چه پول باشد، چه نباشد. بنا به فرموده رهبر، باید طبق قاعده اقتصاد مقاومتی پیش برویم و با کمترین امکانات، بیشتر نتیجه را ارائه کنیم.

### استفاده از تجربیات این کار در آثار بعدی‌تان؟

متأسفانه جو سینما هم مثل سیاست، چپی و راستی، یا آزاداندیشی و انقلابی، یا غیرانقلابی و انقلابی شده است. متأسفانه ما بچه حزب‌اللهی‌ها سواد سینمایی مان کم است. بچه انقلابی‌ها یک آقای شمقدری را دارند، یک آقای حاتمی‌کیا. یعنی دانه درشت‌هایشان همین‌ها هستند یا آقای جلیلی که مثلاً منتقد است. الحق والانصاف همه‌مان ایده‌های خوبی می‌پرورانیم، فقط سواد سینمایی مان کم است و من خواهش می‌کنم حالا شما که در دبیرخانه جشنواره عمار هستید یک ورک‌شاپ‌هایی مثلاً دو ماه یک بار برگزار کنید، مثلاً ورک‌شاپ آقای حاتمی‌کیا، خود آقای حاتمی‌کیا بیاید.

آقای فرمایند چه کسی می‌گوید غرب بد است، شما برو چیزهای خوب غرب را یاد بگیر و در منافع خودت، در منافع دینت، در منافع انقلاب استفاده کن، چیزهای بدن را یاد بگیر. حالا می‌گوییم هالیوود بد! هالیوود ضد اسلام! ما بیاییم تکنیک‌هایش را یاد بگیریم، تکنیک‌هایش را که یاد گرفتیم دیگر با آن کاری نداشته باشیم.

بحث من هم این است که ما بیاییم سواد سینمایی مان را به قله برسانیم و آن وقت کارهایی بسازیم که در جشنواره فجر بدرخشند. یعنی وقتی که سواد داشته باشیم بچه انقلابی هم باشیم در جشنواره فجر می‌درخشیم مثل آقای مهدویان. یک بچه انقلابی که کارهای ارزشی می‌سازد، سوادش را هم دارد فیلمی هم که می‌سازد بهترین فیلم جشنواره فجر می‌شود.



## «زخم‌های استوایی»: از رنجی که می‌برند!

محمود شم آبادی

### بودای بی درد

در این مستند علاوه بر کشتار مسلمانان میانمار، به خشونت بین ادیان هم پرداخته شده است. آیین بودایی معروف به صلح‌گرایی و پرهیز از آزار موجودات است اما آن چه در میانمار رخ می‌دهد خلاف این اعتقادات است. «در زبان‌های شرقی بودا یعنی بیدار و من نمی‌دانم که این بودایی که در حیدرآباد قدمم کرده، خواب است یا بیدار.»

«زخم‌های استوایی» برای حل کردن تعارضات آموزه‌های بودیسم و جنایات بوداییان، به سراغ یکی از کاهنان اعظم بودایی تایلند می‌رود. از حرف‌های کاهن بودایی چنین بر می‌آید که آیین بودا مجوز خشونت را به هیچ‌کدام از پیروانش نداده است. هیچ دین و آیینی ابزاری برای خشونت نبوده و اگر پیروانش خطایی انجام دهند، نباید آن را به حساب آن دین گذاشت.

### دین یعنی درد داشتن

هنری که بی‌دردی را ترویج دهد، قطعاً هنری متعالی نخواهد بود و این فیلم دردهای اقلیت مسلمان میانمار را به خوبی به تصویر کشیده است. «زخم‌های استوایی» مستندی به مثابه بیدار کردن وجدان‌های خفته است. ما یاد برده ایم که در گوشه دیگری از عالم، مسلمانانی هستند که تنها به جرم مسلمانی، حتی زنده زنده سوزانده می‌شوند. در میانمار مصایب مسلم بودن، کم نیست، فقط وجدانی بیدار می‌خواهد که به فریاد این مصائب برسد.

یکی از نقاط قوت فیلم، گفتار متن‌های سنجیده و حساب شده است. در قسمتی از فیلم می‌شنویم: «دین یعنی حساسیت، یعنی اگر شنیدی خلخال از پای زن یهودی بوده اند یا مرد مسلمانی را در میانمار زنده زنده سوزانده اند، اگر از غصه بمیری سرزنشی بر تو نیست.» اگر هر انسانی به فریاد ستمدیده‌ها می‌رسید، هیچ‌گاه بنیاد ظلم چنین استوار نمی‌شد. این فیلم دعوتیست برای دغدغه‌مند بودن، بی‌درد نبودن، شنیدن صدای مظلومان و یاری آن‌ها.

داستان از آوارگی مسلمانان میانمار شروع می‌شود و هجرت، آوارگانی که برخی از آن‌ها حتی ۲۳ روز را با گرسنگی طی کرده‌اند تا به هند برسند، وقتی در سرزمین مادریت، خانه‌ات را ویران کنند و به جرم عقیده خود را آواره، چاره‌ای نداری جز هجرت. از میانمار به هند، از میانمار به تایلند، از میانمار به هر جای عالم جز خانه خودت.

### چشم‌های کم فروغ

بسیاری از مسلمانان میانمار به هند مهاجرت کرده‌اند. محله بالاپور حیدرآباد، پناهگاه آوارگان میانمار شده است. آوارگان در خانه‌های محقری ساکن شده‌اند که هیچ‌کدام خانه نیستند بلکه ویرانه‌هایی هستند که قبلاً محل نگه‌داری دام بوده است. مگر برای آواره‌ای که از سرزمینش رانده شده، خانه‌ای جز همین ویرانه هست؟ با تمام این سختی‌ها و محرومیت‌ها، زندگی در این وضعیت برکشته شدن در میانمار ارجحیت دارد. به چشم‌های کم‌فروغ آوارگان که خیره می‌شوی، تنها چیزی که نمی‌بینی امید و شور زندگی است.

دوربین ثابت می‌شود و مسلمانان میانمار از رنج‌هایی که بر آن‌ها رفته، می‌گویند. شاهدان عینی یک جنایت در برابر دوربین قرار گرفته‌اند و فرصتی پیدا می‌کنند که از زخم‌هایشان بگویند. زخم‌هایی که هیچ‌گاه کهنه نخواهد شد. مسلمانان تظلم خواهی می‌کنند و بغض‌های فروخورده را می‌شکنند. از آتش زدن منازل و مساجد تا قتل و تجاوز، جنایتی نبوده که بودایی‌ها علیه مسلمانان میانمار انجام نداده باشند. مادری از طفل خود می‌گوید که در راه میانمار به هند بر اثر گرسنگی مرده است. دیگری از کوچ اجباری مسلمانان روئینگیایی به دستور دولت میانمار می‌گوید. پیرزنی هم از ترس دیوانه شده، ترسی که حاصل تعصب و ظلم بودایی‌ها است.

روئینگی نام اقلیت مسلمانی است که در کشور میانمار زندگی می‌کنند، اقلیتی که سال‌هاست از تعصبات نژادی حاکم بر این کشور رنج می‌برند. «زخم‌های استوایی» عنوان مستندی بلند، به کارگردانی مجتبی رضوانی است که رنج‌های مسلمانان میانمار را روایت می‌کند.

### روزه سکوت

اولین بار که با نام میانمار آشنا شدم، به واسطه زنی بود که در رسانه‌ها تبدیل به نماد مظلومیت شد. آن زن، خانم آنگ سان سوچی زندانی سیاسی میانمار بود که چند وقت بعد جایزه صلح نوبل را هم گرفت. آن روزها در خیلی از روزنامه‌ها و رنگین‌نامه‌ها سخن از میانمار و زنی مظلوم بود. چند سال بعد فجیع‌ترین جنایات علیه مسلمانان میانمار رخ داد ولی صدایی از کسی برخاست. لابد در منظومه‌ی فکری روشنفکران، حقوق بشر فقط با معیارهای فرانسه و آمریکا و کشورهای غربی قابل تعریف است. شبه روشنفکران وطنی هم در برابر این جنایات روزه سکوت گرفتند. گویی کشتار، تجاوز و آواره کردن مسلمانان میانمار، ظلم به حساب نمی‌آید. مستند «زخم‌های استوایی» ظلمی کمتر دیده شده به مسلمانان روئینگیایی میانمار را روایت می‌کند و از این بابت فیلم شریفی است که روایتگر دردهای انسان‌هایی است که هیچ رسانه‌ای صدای مظلومیتشان را فریاد نمی‌زند.

### قصه آوارگی

با دوربین در خیابان‌های شلوغ هند همراه می‌شوی، انگار نفس توست که در پی حقیقت به این سوی عالم گسیل شده است. ابتدای فیلم بسیار هوشمندانه و با به تصویر کشیدن مردمان بودایی، هندو و مسلمان شروع می‌شود. تلمیحی زیرکانه از ترکیب جمعیتی میانمار. هرم مذهبی میانمار متشکل از بودایی‌ها، هندوها و مسلمانان است اما اقلیت ۸ میلیون نفری مسلمان از هرگونه حقی محروم هستند.

# هفتمین جشنواره فیلم‌های مردمی

7thammarpopularfilmfestival

## فیلم سازی مردمی "نور و صدا" در



حتی المقدور از قراردادن منبع نور مانند لامپ، پنجره، آینه ای که نور از آن منعکس می‌شود و... در کادر دوربین، خودداری کنید. این وضعیت، اغلب دوربین را (مخصوصاً در حالت اتوماتیک) به اشتباه می‌اندازد و باعث تاریک و خراب‌شدن تصویر می‌شود.

با استفاده از منوهای تنظیم رنگ و نور، وضعیت مطلوب‌تر را انتخاب کنید و تا حد امکان از حالت‌های اتوماتیک استفاده نکنید.

در صورت امکان، برای وضوح تصویر، در روشیایی روز و در حالتی که سوژه رو به نور است تصویر بگیرید. اگر تصویربرداری در شب انجام می‌شود، برای روشن کردن سوژه، تدبیری بیاندیشید. حتی می‌توانید یک چراغ قوه را رو به چهره سوژه روشن کنید و کاغذی جلوی چراغ بگذارید تا نور پخش شود.

بهترین شرایط نوری در محیط خارجی و فضای آزاد وقتی است که هوا آبری باشد یا صبح که خورشید ملایم‌تر می‌تابد، اگر چنین شرایطی برای شما قابل دسترسی است حتماً کمال استفاده را ببرید. رأس آذان ظهر تا حدوداً ۱/۵ ساعت پس از آن به خاطر شدت نور و تیزی سایه‌ها، زمان مناسبی برای تصویربرداری های بیرونی نیست. در این ساعات بهتر است در سایه، فیلمبرداری کنید.

در صورت ضبط تصاویر، با دوربین تلفن همراه، می‌توانید از دو تلفن همراه استفاده کنید و با استفاده از نرم افزارهای صدا (مانند RecForge و Hi-Q mp3 recorder) از یکی از تلفن‌ها به عنوان وسیله ضبط صدا استفاده کنید. برای این کار، دستگاه ضبط کننده صدا را در نزدیکترین نقطه به سوژه قرار دهید، البته طوری که در تصویر دیده نشود.

در صورت استفاده از میکروفون یقه‌ای برای سوژه، با پنهان کردن سیم و گیرنده آن، در زیر پیراهن سوژه، از مشخص بودن آن‌ها در تصویر، جداً خودداری کنید. حتماً قبل از ضبط، صدا را با هدفون چک کنید که مشکل خاصی نداشته باشد.

اگر با موبایل صدای سوژه را ضبط می‌کنید، جهت بهتر شدن کیفیت صدا، سعی کنید در محل‌های آرام و کم رفت و آمد با سوژه صحبت کنید یا اینکه اگر مصاحبه‌ای دارید که در مکان‌های شلوغ مثل راهپیمایی و... است، سوژه را متوجه سازید تا با صدای رسا صحبت کند.

توجه داشته باشید بهترین تصاویر هم در صورت نداشتن صدای مناسب، هرگز مفید و قابل استفاده نخواهند بود.



یزدان پرست از «یک مشت علف» می‌گوید:

## اختراعی در کش و قوس دلال بازی

مقوله فرم پیش از پیش در نظر گرفته شود، سطح حرفه ای جشنواره ارتقاء خواهد یافت.

به طور قطع مقایسه نخستین دوره این جشنواره با دوره هفتم نشان دهنده پیشرفت و ارتقاء این جشنواره در سطح کمی و کیفی فیلمسازی است، این جشنواره به سمت تولید نیز رفته و این ویژگی سبب شده تا جشنواره از دیگر جشنواره ها جلو باشد و اگر در این مسئله روز به روز قوی شود قطعاً موفقیت های بیشتری را به همراه خواهد داشت.

جشنواره ها عموماً از حیطة تولید دور هستند، اما مزیت عمار حمایت مداوم از فیلمسازان خود در مرحله تولید است و این حمایت تولیدی است که منجر به ساخت اثرهای خوب در راستای سیاست های جشنواره می شود و اگر این اتفاق پرننگ تر شود قطعاً جشنواره عمار در سال های آینده سرآمد جشنواره ه ها خواهد شد.

مزیت دیگر جشنواره عمار اکران های مردمی آن است که همانند این ایده در کشور مشاهده نمی شود، البته چند نمونه از چنین طرحی در سایر کشورها مشاهده می شود.

### پیشنهادی برای فیلم اولی ها

موضوعاتی برای تجربه های نخست مناسب است که از دل فیلمساز بیرون آمده باشد و فیلم اولی ها سراغ موضوعاتی بروند که بسیار با آن ها عجین شده و سوژه را به خوبی می شناسند.

پس از این که آمریکا و استرالیا حاضر به تعامل تکنولوژی این دستگاه نیستند، تعدادی از جوانان دانشجو تصمیم به بومی سازی آن می کنند و هم اکنون حدود ۶ سال است که طرح این دستگاه در جهاد و کشاورزی در حال بررسی است و مسئولان امر در حال کنکاش هستند که آیا این طرح برای کشور مفید است یا خیر.

### هدف از ساخت مستند

مستند «به خاطر یک مشت علف» انتقادی را به بروکراسی و جریانات اداری در ایران وارد می کند، که سدی در برابر تحقق اقتصاد مقاومتی است و تا دلال بازی در کشور وجود داشته باشد، پیکره اقتصاد کشور ضعیف خواهد ماند و تحقق اقتصاد مقاومتی غیرممکن خواهد بود.

به دلیل این که کار در نكوهش دلالی بود تا حدودی سخت بود و از طرفی با دستگاه های دولتی روبرو بودیم که خود عامل پدید آمدن دلال ها بودند، و ما مجبور بودیم از درب رفاقت وارد شویم تا بتوانیم اعتماد آن ها را جلب کنیم که جلوی دوربین ما حرف بزنند و سخت ترین مرحله ساخت این مستند حرف کشیدن از آدم ها بود.

### جشنواره عمار

یکی از مزیت های جشنواره عمار، مردمی بودن جشنواره است که جای تحسین دارد، اما انتقادی که به آن وارد است، تقدم محتوا بر فرم است و اگر

محمد علی یزدان پرست، متولد سال ۱۳۶۶ است که از کار هنری خود را از سال ۷۸ با ورود به دنیای تئاتر آغاز کرد و پس از آن در سال ۸۵ وارد دانشگاه صدا و سیما شد به تحصیل در رشته کارگردانی مستند پرداخت.

یزدان پرست که کارگردانی ۱۲ فیلم کوتاه را در کارنامه دارد در حال ساخت مستندی بلند در رابطه با تنها جانباز زنده ای است که با گاز خردل شیمیایی شده است.

او که جوایز ملی و بین المللی بسیاری در کارنامه خود دارد و سه سال است با آثار خود در جشنواره عمار حضور دارد، امسال با اثر «به خاطر یک مشت علف» به در بخش اقتصاد مقاومتی، هفتمین جشنواره مردمی فیلم عمار حضور دارد.

### ماجراهای به خاطر یک مشت علف

فیلم «به خاطر یک مشت علف» درباره چند جوان تحصیل کرده است که توانسته اند دستگاهی را اختراع کنند که در روز می تواند، به تولید یک تن علوفه دامی برسد و ۹۹ درصد در مصرف آب کشاورزی صرفه جویی می کنند و تحولی عظیم در صنعت کشاورزی ایجاد کند.

این تکنولوژی حدود ۴۰ سال است که در آمریکا و استرالیا در حال اجراست و روش تولید این علوفه از روشی قدیمی در ایران که برای تولید سبزه عید صورت می گیرد استفاده شده است.

# سوژه باید شخصیتی دراماتیک داشته باشد

محسن اسلامزاده

محسن اسلامزاده متولد ۵۹ است و اهل مشهد. اولین کارش را سال ۸۳ با تدوین کلیپ از کدامین قبیله‌ای آغاز کرد و سال ۹۵ معروفترین اثرش را با عنوان «تنها میان طالبان» ساخت. مستندسازی است که همیشه خطرهم‌آغوش اوست. در نمونه‌ای، هشتم فروردین سال ۹۴، زمانی که مستندی با موضوع کردهای عراقی می‌ساخت، ترکش آربی جی به صورتش خورد و راهی بیمارستان شد. این روزها هم تهیه‌کننده برنامه وطن دار است.

## رسالت هنرمند

بحث از این جا آغاز می‌شود که ما درمقوله هنر و مستندسازی، به بحث هنر برای هنر اعتقادی نداریم. هنرمند کسی است که رسالتی بردوش دارد و بدان عمل می‌کند. با همین دغدغه‌ها به سوژه‌ها می‌رسد. این طور نیست که اگر کسی مستندساز است منتظر سوژه بماند. ممکن است کسی بگوید من این دغدغه را دارم، فلان سوژه را هم پیدا کردم، اما پول ندارم. این نکته قابل قبول است. یا اینکه بگوید فلان مسئله مهم است اما برایش سوژه‌ای نمی‌توانم پیدا کنم یا قصه‌ای پیدا نکرده‌ام. در این مرحله هم می‌شود تا حدی صحبت کرد. اما اگر کسی در کل بگوید که سوژه‌ای ندارم؛ یعنی دغدغه‌ای نسبت به کارش ندارد و مستندساز نیست. این خیلی بد است که کسی بگوید من هیچ سوژه‌ای ندارم. فیلمسازی کار بسیار دشواری است. اگر کسی با تمام وجودش و دغدغه‌هایش وارد نشود، و انرژی مضاعف نداشته باشد، اصلاً کارش در نمی‌آید و در همین نقطه است که اصطلاح سینمای سفارشی خلق می‌شود.

## سینمای سفارشی

در مدت ده دوازده سالی که کار کرده‌ام، گرایش‌های کاری‌ام مشخص شده است. بعضی از کارها پیشنهاد می‌شود چون مدل کارم را می‌دانند. وقتی جهان اسلام کار می‌کنم، فرمهای این چنینی پیشنهاد می‌شود. در اکثر مواقع هم خودم پیشنهاد می‌دهم که مثلاً انقلاب لیبی مهم است باید از لیبی ساخت یا برویم عراق فیلم بسازیم؛ اما همه چیز مشخص است. فیلم را باید با این نگاه ساخت، سوژه این است و شخصیت هم مشخص. البته در این زمینه

مشورت می‌کنیم، هم‌فکری می‌کنیم.

در عمل وقتی یک مقام مسئولی می‌گوید می‌خواهیم راجع به حاشیه شهر مشهد فیلم بسازیم می‌گوید پیشنهادت چیست؟ می‌گویم برویم شخصیت‌هایی را که کار می‌کنند و در عین حال مشکل دارند و با مشکلات می‌جنگند کشف کنیم بعد برویم از این مدل فیلم بسازیم. تقریباً سعی می‌کنم نظرات سفارش دهنده را هم بگیرم و دغدغه‌های او را بسنجم. آیا دغدغه‌های ما با یکدیگر منطبق هست؟ می‌تواند یک خروجی واحد بدهد؟ گاهی اوقات آنها هم حرف دارند و باید حرفشان را شنید. من هم بررسی می‌کنم که بینم می‌توانم این‌ها را در کارم بگنجانم یا نه.

## روایت سوژه

زمانی هست که مستندساز موضوع دارد. می‌داند که درباب چه چیزی فیلم بسازد. مثلاً یکی می‌خواهد راجع به معماری شهری فیلم بسازد، دیگری درباره افغانستان موضوع خاصی مدنظر دارد؛ اما مسئله‌اش این است که چطور به یک سوژه یا قصه برسد. با این تجربه ده دوازده ساله مستندسازی می‌گویم که باید بعد از انتخاب موضوع، شخصیتی را در این موضوع پیدا کنیم که منطبق با نگاه ما باشد و خواسته‌های ما را برآورده کند. کسی که می‌تواند در مرحله بعد، ابعاد دراماتیکی هم داشته باشد تا ذهن مخاطب را با موضوع درگیر کند.

برای روایت، اگر فیلم را از دریچه این شخصیت ببینیم کارمان خیلی راحت می‌شود. آن کنش واکنش‌ها و خط‌سیری که شخصیت طی می‌کند، می‌تواند فضای مناسبی برای دوربین ما ایجاد کند تا تعقیبش کنیم. مثلاً می‌خواهیم درباب اهل

سنت ایران کارکنم. یک اهل سنت مصری را پیدا می‌کنم و به ایران می‌آورم. برای او ایران یک حالت جستجوگرانه دارد و دوربین من پشت سر او راه می‌رود.

یا این‌که می‌خواهیم موضوعات حاشیه شهر مشهد را کار کنم، اما نمی‌خواهیم نگاه سیاه باشد. حتی انتقادی باشد؛ اما سیاه نباشد. پس آدم‌هایی را درحاشیه شهر پیدا می‌کنم که فعالیت مثبت انجام می‌دهند و با مشکلات می‌جنگند. آن‌ها آدم‌های امیدواری هستند که از آن‌ها فیلم می‌سازم. وقتی بین طالبان می‌روم، می‌دانم که هدفم ساختن فیلم از طالبان است. سوژه‌ام هم طالبان است اما می‌خواهیم به یک قصه پردازیم. آنجا می‌بینم به‌خاطر تعدد لوکیشن‌ها، نمی‌توانم شخصیت واحدی را پیدا کنم تا راوی باشد. پس، دوربین و خودم سوژه کار می‌شوند و این می‌شود نقطه عزیمت من. اینها همه مدلهایی هست که از یک موضوعی می‌توانیم به قصه برسیم.

## ویژگی سوژه

سوژه نباید شخصیت تک وجهی باشد. باید شخصیتی باشد که بار دراماتیکی داشته باشد تا امکان گره بوجود بیاید و گره‌افکنی کند. نه اینکه شخصیتی تک وجهی باشد که هیچ اتفاقی هم در زندگی‌اش نیفتاده. نهایت این سوژه، یک داستان یک دقیقه‌ایست. زندگی سوژه باید آنقدر جذاب باشد که یک فیلم شصت یا هفتاد دقیقه‌ای را روایت کند. در مراحل بعدی هم باید شخصیتی فعال باشد. حرف بزن باشد، خوش بیان باشد. آدم سرشلوغی نباشد که مدام بروی سراغش و وقت نداشته باشد.



۱۵

یادداشت





# آغاز صنعت موشک‌سازی با فتوای آیت‌الله سیستانی

نعمت الله سعیدی

نیروهای وهابی مرتجع داعش (که معتقدند وضو گرفتن از آب لوله‌کشی، چون شبیه سنت رسول الله نیست) ص)، ممکن است اشکال شرعی داشته باشد که معتقدند زندگی مدرن از مظاهر زندگی شیطانی است و چه و چه) دارند امروز موشک و تیربار و بمب می‌سازند؟ چرا قبل از وقوع انقلاب اسلامی این خبرها نبود؟ چرا قبل از انقلاب هیچ یک از نیروهای تکفیری باور نمی‌کردند که می‌شود تمدن اسلامی ساخت؟ برآستی چرا این منطقه اسلام دارد با اسلام می‌جنگد؟ کدام قرآنت‌های اسلامی به جان یکدیگر افتاده‌اند؟ آیا واقعا آمریکا از داعش پشتیبانی اطلاعاتی و جاسوسی می‌کند؟ چرا؟ آیا داعش را فقط نیروها و سرویس‌های امنیتی آمریکا و انگلیس ساخته‌اند؟

پاسخ این پرسش اخیر یک «نه» بزرگ و تأمل برانگیز است. نه، داعش را فقط سرویس‌های امنیتی آمریکا و عربستان نساختند. داعش را عقب نشینی گفتمان انقلاب اسلامی در کشورهای مسلمان به وجود آورد. تمام این نیروهای داعشی بیشتر از بیست سال منتظر انقلاب اسلامی بودند و ماندند که بیاید و برایشان از خودباوری دینی سخن بگوید. بیاید برایشان از لزوم جهاد مداوم حرف بزند. جهاد اکبر با نفس خویش و جهاد اصغر با اسرائیل. اما انقلاب اسلامی به این نتیجه رسیده بود که باید از این به بعد مانورده اشرافیت داد؛ به این نتیجه رسیده بود که صدور انقلاب با واقعیت‌های دیپلماسی جهان سازگاری ندارد و موجب ناتوانی صادرات و واردات اقتصادی می‌شود. بگذریم.

اما داستان این آهنگر عراقی چیست؟ و چطور به ساخت و تولید موشک رسیده است؟ «صلاح داوود سلمان» یک شیعه عراقی متولد اطراف کاظمین است. زمان جنگ تحمیلی اجباراً به ارتش صدام

که بدون دخالت بی‌بی‌سی و صدای آمریکا و غیره تصاویری از این مناطق ببینند. بخش عمده‌ای از مشکلات رسانه‌ای ما غلط دیدن، یا تحریف واقعیات میدانی این مناطق نیست، بلکه ندیدن و ضعیف دیدن‌شان است.

اصل ماجرا، همان فتوای آیت‌الله سیستانی است. «صلاح داوود سلمان» یک عمر در انواع و اقسام جبهه‌ها جنگیده بود؛ اما هیچ‌گاه فتوای جهاد از یک مرجع تقلید نداشت. این موضوع، اصل ماجرای نفوذ جمهوری اسلامی در امثال عراق و سوریه است.

«صلاح داوود سلمان» یک آهنگر عراقی است که امروز جزء نیروهای حشد الشعبی عراق بوده و برایشان موشک می‌سازد. تکرار می‌کنم: یک آهنگر دارد «موشک» می‌سازد. موشک‌هایی که هزاردویست تا سه کیلومتر برد داشته و پانصد متر مربع قدرت تخریب دارد. نخستین پرسش این است که مگر ساختن موشک در انحصار آمریکا و روسیه باقی قدرت‌های جهانی نیست؟ مگر بنا نبود ملت‌هایی مثل ایران حتی آفتابه هم نتوانند بسازند؟! حالا چطور شده که بعد از چند سال جنگ، بسیجی‌های عراق و حتی

دنیا سال‌هاست به هم ریخته و منطقه خاورمیانه تبدیل به مناطق جنگ‌زده شده است. نیمی از عراق و تقریباً تمام سوریه مستقیماً درگیر جنگ‌های ویرانگر و فرسایشی است. در این میان، پای انقلاب اسلامی نیز کم و بیش به این جنگ‌ها باز شده است. در شبکه‌های اجتماعی روزانه کلی مطلب و عکس و فیلم و غیره تولید می‌شود که چرا جمهوری اسلامی به جای خرج کردن پول هایش برای کارتن‌خواب‌ها، گورخواب‌ها و البته کارمندان دولتی و طبقات متوسط جامعه و ... در عراق و سوریه و لبنان و غیره هزینه می‌کند؟ و از همه مهم‌تر اینکه چرا نظام انقلاب اسلامی به جای درگیری با داعش و اسرائیل، با مفسدان اقتصادی و رانت‌خواران و فیش‌های نجومی و غیره مبارزه نمی‌کند؟ جالب اینجاست که گاهی همین صاحبان فیش‌های نجومی (قائدتاً جمهوری اسلامی به جای اسرائیل باید با آن‌ها بجنگد!) با ادبیات مختلف، همین حرف‌ها را تکرار می‌کنند!

(می‌گویید نه؟! به همین سخنان چند روز پیش یکی از مدیران وزارت خارجه مراجعه بفرمایید!) البته شاید نگرانی این مدیران زیاد هم بی‌راه نباشد! اگر پول‌های ایران در خاورمیانه پخش شود، چطور می‌توان میلیاردها دلار در سازمان تأمین اجتماعی به سه چهار نفر وام بلاعوض داد؟! پخش شدن این پول‌ها در منطقه حتی ممکن است برای تداوم پرداخت فیش‌های نجومی تولید اشکال کند؟! خلاصه پولی که به مرزهای سوریه و لبنان برود، از دسترس این عزیزان کمی دور می‌شود! بگذریم.

تمامی رسانه‌های جهان سعی می‌کنند تصاویری را از مناطق بحران زده خاورمیانه بازتاب دهند که به نفع خودشان بوده و قرآنت و تفسیر آن‌ها از این اوضاع باشد. اما مخاطبان ما در حسرت این مانده‌اند



# وجودندلی قطر کار و عاقلان

## عاقلان نقطه پرگار وجودند ولی...

مجید مالکی

طرح نیم بها کردن بلیط سینما، طرحی برای استقبال بیشتر مردم از سینماست. فیلم، ساخته شده اما فروش کمی داشته. این طرح کمک می کند تا پول بیشتری به جیب تهیه کننده برگردد و سود تولید فیلم بالاتر رود. این طرح از بعدی دیگر عقل معاش مردم را هم درگیر می کند. پس طیف بیشتری از مردم با این وضعیت مواجه می شوند که با کاهش پنجاه درصدی بلیط به سینما بروند یا خیر.

میزان فروش فیلم یعنی میزان استقبال مخاطب و دست یافتن به آمار حضور مردم در سینما. کدام فیلم مردمی تراست؟ مشخص است، آن که بیشتر فروخته است و بیننده بیشتری داشته. اقتصاد مبنای تعریف مردمی بودن سینماست و با این معیار، جشنواره مردمی فیلم عمار تعریف عبثی از حضور مردم ارائه می دهد. مردم در این سینما چه هزینه ای بابت دیدن فیلم می دهند؟ اگر بحث فروش بلیط مطرح شود، آن وقت می توان میزان حضور مردم در سینمای گیشه ای و سینمای عمار را مقایسه کرد.

این مقایسه بر مدار اقتصاد می گردد. حال آنکه علاوه بر عقل اقتصادی، یک ساحت دیگر عقل حسابگر نیز درگیر ماجراست. محاسبه زمان! مردم همیشه می سنجند که آیا می ارزد برای دیدن این فیلم زمان صرف کنم؟ زمانی که می توانم کنار خانواده باشم یا فیلم دلخواهم را با لپ تاپ بینم چه دلیلی دارد بنشینم و فیلم های عمار را بینم؟ یک اکران هزار نفری یعنی هزار محاسبه زمانی عقل حسابگر. یعنی هزار عقل معاش تصمیم گرفته به جای حضور در کنار خانواده یا هر جای دیگری که دلش می خواهد، پای فیلم های جشنواره عمار بنشیند. حضور مردم در جشنواره عمار بر مدار اقتصاد نمی گردد. بنابراین اقتصاد نمی تواند چنین حضوری را درک و تحلیل کند. جنس حضور مردم در جشنواره عمار از جنس حضور مردم در تمام صحنه های انقلاب است. کدام تحلیل اقتصادی می تواند تظاهرات مبارزه با پهلوی را درک کند؟ زمانی که بسیجی های داوطلب، هشت سال در جبهه بودند، عاقلان اقتصادی نیش خندشان می زدند که شما چیزی از زندگی نفهمیدید. عقل اقتصادی همواره یک اولویت درجه دو برای انسان انقلاب اسلامی بوده است. این انسان همواره به تکلیفش می اندیشید. تکلیفی که شاید روزی به قیمت جاننش تمام شود.

سعودی به جای دستور گرفتن از شاهزاده های خاندان سلطنتی، از مفتی های عربستان فتوا بگیرند. کافی ست حوزه های علمیه دیگر به پول های دولتی وابسته نباشند. این ها خطر اصلی است. این خطر اصلی را باید فعلاً از عربستان و قطر دور کرد و به سوریه صادر کرد. باید طرح همگانی این تفکر را به صورت کاذب و انحرافی در جایی مثل سوریه و عراق اجرا کرد و جهادگران این شکلی را فعلاً به نقاط دور از «ریاض» فرستاد...

انقلاب اسلامی عمدتاً به خاطر فرستادن مشاور نظامی و صدور طرز تفکر به این مناطق است که معادلات را به نفع گفتمان مقاومت برهم زده است. به همین خاطر در عراق که تعداد شیعیان در اکثریت است، حضور نظامی و مستقیم انقلاب اسلامی بسیار کمتر است. و گزینه انگیزه داعش برای فتح عراق به مراتب بیشتر از سوریه بود؛ اما خیال انقلاب اسلامی نسبتاً از عراق راحت است. چون مدرسه زمان کودکی آهنگر اسمش «فسطل» بود و حالا به مدرسه «میثم تمار» تغییر نام داده است. انقلاب اسلامی نام این مدرسه را به این منطقه فرستاده است. (اگر هم چیزهایی از فرمول ساخت موشک فرستاده، در این فیلم خبری از آن ها نیست) حالا این آهنگر در کارگاه خودش، با کودکان و خانواده خودش موشک تولید می کند. موشک هایی به اسم الرعد، الزلزله، الولایه و... اگر یکی از این موشک ها اشتباهی منفجر شود، کل خانواده آهنگر شهید می شوند. اما فقط کافی است بدانیم که آخرین قطعات موشک را نمی شود با جوشکاری متصل کرد. باید از پیچ و مهره استفاده کرد. چند مشت از همین پیچ و مهره ها هم باید به جای قطعات ترکش، داخل موشک ریخت و... شاید زمان ظهور نزدیک باشد...

پیوست. بعد در جنگ کویت شرکت کرد. بعد در جنگ عراق و آمریکا از جانب یک موشک آمریکایی مجروح شد و یک پایش را از دست داد. بعد به «شارجه» رفت و کفاش شد. درآمدش خوب بود و از یکی از دوستانش آهنگری هم یاد گرفت. داعش که به عراق حمله کرد، به عراق برگشت و در کنار خانواده اش مشغول دفاع شد. در مسجد محله قدیمی شان یک انتهای داعشی خود را منفجر کرد و بسیاری از اقوام و دوستان او شهید شدند. وقتی آیت الله سیستانی فرمان تشکیل حشدالشعبی را داد، این آهنگر از خوشحالی می خواست پرواز کند. حالا اگر در این جنگ می مرد شهید به شمار می آمد و گزینه انتقام می گرفت. انتقام از کسانی که می خواستند کاظمین و کربلا را با خاک یکسان کنند؛ اما او چون نمی توانست با آن پای قطع شده اش حتی بدون عصا راه برود، به فکر پرواز دادن موشک افتاد. چرا ساخت موشک؟ چون به آنها سلاح و مهمات کافی نمی دادند.

اصل نکته از بین این همه اطلاعات فشرده ای که نگارنده در سطور قبلی ارائه کرد، چیست؟ به نظر حقیر، اصل ماجرا همان فتوای آیت الله سیستانی است. «صلاح داوود سلمان» یک عمر در انواع و اقسام جبهه ها جنگیده بود؛ اما هیچ گاه فتوای جهاد نفوذ جمهوری اسلامی در امثال عراق و سوریه است. عربستان سعودی از همین مطلب دارد دق می کند. مهم نیست که این فتوای جهاد از طرف یک روحانی ساکن قلب عراق صادر شده باشد، مهم این است که یک روحانی دینی در جهان اسلام بتواند بر خلاف میل دولت ها و بدون اجازه آن ها فتوای جهاد صادر کند. همین موضوع می تواند دودمان آل سعود را به باد دهد! کافی است حتی همان وهابی های عربستان

## ایجاد انسجام

# ویژگی بارز جشنواره فیلم عمار

۱- معرفی: سعید قمری، فعال فرهنگی کرمانشاه و متولد سال ۶۸ هستم.

۲- چگونه و کجا با جشنواره عمار آشنا شدید؟ اواخر دوره دانشجویی به واسطه مسئولیتی که در بسیج دانشجویی داشتم، با جشنواره عمار آشنا شدم و از دوره سوم به بعد دبیری برگزاری این جشنواره در استان کرمانشاه بر عهده من گذاشته شد.

۳- نحوه تهیه فیلم ها برای اکران: فیلم ها توسط دوستانی که از تهران می آمدند به دست ما می رسید و بین اکران کننده ها توزیع می کردیم و در مواردی فیلم های مورد نیاز برای اکران در استان را با هماهنگی های انجام شده از پست تحویل می گرفتیم.

۴- معمولا در چه مکان هایی فیلم ها را اکران می کنید؟ در سطح دانشگاه ها، مدارس و مساجد، البته نمایش های ویژه ای در زندان و قطار مسافری داشتیم.

۵- چقدر نظرسنجی گرفته اید؟ در تمامی اکران های برگزار شده صحبت های حضوری و چهره به چهره ای با مخاطبان داشتیم و اکثر آنها نظر خوب و مثبتی درمورد برنامه های اکران فیلم در استان کرمانشاه داشتند.

۶- اتفاقات و خاطرات حاشیه اکران: در یکی از مساجد، هنگامی که اکران انیمیشن «نبرد خلیج فارس» به پایان رسید تمامی حضاران با صدای بلند تکبیر گفتند، انیمیشن «راشل کوری» نیز دیگری کاری بود که نمایش آن بر روی مردم بسیار تاثیر گذاشت.

۷- برنامه ها در حاشیه اکران: برنامه سخنرانی برای حضاران برگزار می کردیم و در چند برنامه سخنرانانی با تجربه در زمینه رسانه حضور پیدا می کردند و پس از پایان نمایش فیلم ها سخنرانی و نقدی بر روی فیلم ها انجام می دادند؛ نکته دیگر اینکه زمانی که قصد داشتیم برای مخاطبان فیلم نمایش بدهیم ابتدا فیلم «علمک» را اکران می کردیم و سپس فیلم

های دیگر را اکران می کردیم.

۸- مخاطبان اکران: مخاطب اکران های ما در استان کرمانشاه به دو دسته عمومی و خاص تقسیم بندی شده بودند؛ در اکران های مساجد مخاطبان عموما نماگزاران و مردم عادی شهر بودند و در مدارس نیز دانش آموزان دیگر مخاطبان ما را تشکیل می دادند.

۹- پرمخاطب ترین فیلم ها: فیلم های «لکه» و «من مدیر جلسه هستم» از پرمخاطب ترین فیلم ها بود و هر کدام از آن ها ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار نفر مخاطب داشت؛ همچنین «دختر لرستان» دیگر فیلمی درمورد فتنه ۸۸ بود که از صدا و سیما استان پخش شد و مخاطب فراوانی داشت.

۱۰- چگونه تبلیغ می کردید؟ تعامل با فرهنگسرای شهرداری جهت نصب بنر و ارسال پیامک از طریق سامانه پیامکی

۱۱- وسایل و تجهیزات اکران را از کجا می آوردید؟ با موسسه ای ارتباط داشتیم و نیازهای خود را با کمک آنها برطرف می کردیم.

۱۲- رساندن فیلم های عمار به تلویزیون: فیلم های «علمک»، «من مدیر جلسه هستم» و حتی یک مجموعه ای از فیلم های مرتبط با ۹ دی با هماهنگی ما از صدا و سیما استان پخش شد.

۱۳- با رسانه ها ارتباط داشتید یا از خبرنگاری خواستید اخبار اکران را پوشش دهد؟ شخصا تعدادی مطلب و گزارش پیرامون این برنامه ها نوشتیم و برای خبرنگاری هایی از جمله فارس و صدا و سیما استان ارسال کردم.

۱۴- تأثیر جشنواره عمار؟ ویژگی جشنواره فیلم عمار انسجام دهنده بودن آن است؛ زیرا برگزاری این جشنواره و نمایش فیلم های آن به عنوان یک عملیات بزرگ در بسیاری از مراکز و دستگاه های فرهنگی استان موجب شکل گیری انسجامی موثر در جهت انجام فعالیت های

فرهنگی می شود.

۱۵- نظر خانواده: علاوه بر این که آن ها با این مسئله مشکلی نداشتند، حتی به من در اجرا و برگزاری کمک و همفکری می کردند.

۱۶- برنامه ای برای گسترش اکران و ترغیب دیگران به اکران داشتید؟ ما ارتباطات خوبی با سپاه استان برقرار کردیم که نتیجه آن اکران های خوبی در سطح پایگاه های بسیج سراسر استان به همراه داشت؛ سپس از طریق دفاتر انجمن اسلامی هم اکران های بسیار خوبی را در سطح مدارس انجام دادیم.

۱۷- تعامل با سایر اکران کنندگان؟ از دیگر اقدامات ما تشکیل بانک اطلاعاتی بسیار خوبی از فعالان فرهنگی استان کرمانشاه بود که ضمن ارتباط گرفتن با آنها، این افراد را در مسیر انجام نمایش های فیلم در مناطق مختلف استان کمک می کردیم؛ براین اساس آن ها روستا به روستا و محله به محله را در سراسر استان کرمانشاه با همراهی ما پوشش داده و فیلم های جشنواره عمار را اکران می کردند.

۱۸- نقد عمار؟ فیلم ها برخلاف اثرهای ساخته شده در دوره های اول و دوم جشنواره دلی ساخته نشده و از حس و حال آن فیلم ها بی بهره است؛ متأسفانه امروز نگاه ما در جشنواره عمار کیفی تر شده و به فیلم سازهای آماتور کمتر توجه می کنیم.

۱۹- آخرین فیلمی که در سینما دیدید؟ فیلم «محمد رسول الله»

۲۰- فکر می کنید مهمترین مکانی که باید در آن اکران بشود کجاست؟ مدارس مناسب ترین محل برای اکران های مردمی است.

۲۱- فکر می کنید جشنواره عمار باید بیشتر به کدام دسته از مخاطبان توجه کند؟ فیلم سازان آماتور و کم تجربه تر

۲۲- بهترین سوژه برای ساخت فیلم؟ وحدت و یکپارچگی بسیار خوب مردم کرمانشاه





**اکران در هیئت انصارالمهدی**  
کاشمر - خراسان رضوی

۱۴ دی ماه ۹۵

فیلم اکران شده: **داستانی دایو**  
۳۰ نفر بیننده

**مسجد جواد الائمه علیه السلام**  
بردمسکن - خراسان رضوی

۸ دی ماه ۹۵

فیلم اکران شده: **داستانی دایو**  
۴۰ نفر بیننده

**اکران در مسجد پنج تن**  
فین کاشان - اصفهان

۱۱ دی ماه ۹۵

فیلم اکران شده: **ایستاده در آسمان**  
۵۰ نفر بیننده

**منزل شهید مدافع حرم (احمد عطایی)**  
تهران - تهران

۱۱ دی ماه ۹۵

مستند ردپای فرشته

۲۰ نفر بیننده

**مدرسه شاهد جاسس زاده**  
دزفول - خوزستان

۸ دی ماه ۹۵

میم مثل مسجد آ مثل آتش

۱۲ نفر بیننده

**مسجد امام رضا علیه السلام**  
تهران - تهران

۱۱ دی ماه ۹۵

داستانی لکه

۲۰ نفر بیننده

**مسجد شهید مسعود توتونچی**  
دزفول - خوزستان

۸ دی ماه ۹۵

میم مثل مسجد آ مثل آتش

۵۰ نفر بیننده

**مسجد حضرت قمر بنی هاشم**  
خمین - مرکزی

۸ دی ماه ۹۵

مستند مادرانه (مدافعان حرم)

۱۲۰ نفر بیننده

**مسجد جامع المهدی**  
تهران - تهران

۹ دی ماه ۹۵

مستند نگهبان آراء

۶۰ نفر بیننده



«من و نرگس»

### داستانی پر ز آب چشم

در یکی از حملات ناجوانمراغه گروهک های تروریستی، تعدادی از مدافعین حرم ایرانی در خان طومان حلب به شهادت رسیدند.

«من و نرگس» برشی از زندگانی شهید مدافع حرم اسماعیل خان زاده از منظر دختر ایشان نرگس و همچنین همزمان شهید می باشد. در این مستند از محل عروج شهید در خان طومان تصاویری گرفته شده و دوستان شهید لحظه شهادتش را روایت می کنند. یکی از نکات جالب فیلم این است که رحیم کابلی و سید رضا طاهر که جلوی دوربین از خاطرات مشترکشان با شهید خان زاده می گویند، خود نیز بعد از مدتی به شهادت می رسند. در این فیلم، عنصر عاطفه و احساس کاملاً مشهود است.

مهدی وحیدی کارگردانی این اثر را برعهده دارد.

«در حصار»

### دفاع، زندگی من است

دو شهر شیعه نشین «فوعه» و «کفریا» در سوریه، به مدت یک سال در محاصره گروهک های تکفیری بودند اما سر تسلیم فرود نیاوردند. محاصره این دو شهر کوچک، از فاجعه ای بزرگ خبر می داد اما مقاومت مردم مانع از پیروزی تروریست ها شد.

«در حصار» مقاومت اهالی «فوعه» و «کفریا»، در برابر تروریست های جبهه النصره، سختی ها و رنج های مردم این دو شهر را به تصویر می کشد. بسیاری از تصاویر این مستند، از فیلم هایی تهیه شده که مردم این دو شهر، با گوشی تلفن همراه خود گرفته اند. راوی مستند نوجوانی ۱۴ ساله به نام هادی فاعور از اهالی فوعه و ساکن زینبیه است که به مداحی برای شهدای این دو شهرک می پردازد. او با مداحی های حماسی خود، روحیه ی مقاومت را در مردم شهرزنده نگه می دارد. مستند «در حصار» به کارگردانی محسن اردستانی رستمی و تهیه کنندگی ناصر نادری تولید شده است.



«پل ورسک»

### داستان پلی ۸۰ ساله

پل ورسک مهمترین پل در مسیر راه آهن سراسری ایران است. هشتاد سال از عمر این پل می گذرد و حتی در فهرست آثار ملی نیز ضبط شده است.

«پل ورسک» روایتی تاریخی از چرایی و چگونگی ساخت راه آهن سراسری و این پل قدیمی است. ساخت این پل در سال ۱۳۱۵ و با هزینه ملت ایران به پایان رسید اما فوایدش را بیگانگان بردند. در طول جنگ جهانی دوم و با اشغال نظامی ایران روزانه ۷۵ قطار به شوروی منتقل می شد. در جریان این جنگ ۵/۵ میلیون تن مهمات، دارو و مواد غذایی به شوروی منتقل شد. همسر رضا شاه در کتاب خاطراتش می نویسد: «رضا همیشه غصه می خورد که چرا پل را خراب نکردیم.»

امین قره سوفلو به سفارش راه آهن ایران «پل ورسک» را ساخته است.



«افتاده از اصل»

### ثروتی به نام اسب ترکمن

صنعت اسب داری و تولید اسب اصیل ترکمن فرصتی استثنایی برای ایجاد ثروت و اشتغال است. با وجود بهترین و اصیل ترین نژاد اسب ترکمن در بخش راز و جرگلان استان خراسان شمالی، موانع زیادی بر سر راه پرورش اسب ترکمن قرار دارد.

مستند «افتاده از اصل» به موضوع پرورش اسب اصیل ترکمن می پردازد. اسب اصیل ترکمن سرمایه است اما یکی از پرورش دهندگان اسب ترکمن از نگرانی اش در باره واردات اسب ترکمن از چین می گوید! در سایه بی توجهی مسئولین، هر ساله تعداد زیادی اسب از خارج وارد کشور می شود که به ضرر پرورش دهندگان و همچنین نژاد اسب اصیل ترکمن است.

کارگردانی و تهیه کنندگی این اثر را سعید آقائی برعهده داشته که در قالب اقتصاد مقاومتی تولید شده است.

«پرونده ناتمام»

### رازهای یک نفوذی

سال ۱۳۶۰ تهران را موجی از ترورها فراگرفته بود. در ۶ تیرآیت الله خامنه ای ترور شد و ۷ تیرآیت الله بهشتی و یارانش به شهادت رسیدند. در تاریخ ۸ شهریور ۶۰، جلسه شورای امنیت ملی، برای بررسی ترورها تشکیل شد اما بر اثر انفجاری که رخ داد، محمدعلی رجایی، رئیس جمهور ایران و محمدعلی باهنر، نخست وزیر وقت به شهادت رسیدند.

مستند «پرونده ناتمام» حاصل بیش از پنج سال پژوهش درباره ناگفته های انفجار دفتر نخست وزیری، پیچیده ترین پرونده امنیتی تاریخ انقلاب اسلامی است. روز تشییع جنازه شهید باهنر و رجایی، تابوت سومی وجود داشت که حلقه مفقوده این جنایت بود! روزنامه ها تیر شهید مسعود کشمیری را به کار بردند، تلاش کردند با شهید سازی مساله را گم کنند تا کشمیری بتواند از کشور فرار کند. نفوذ مسعود کشمیری، شبکه نفوذ، ترور آیت الله قدوسی دادستان تهران، مسموم کردن آیت الله املشی، خودکشی یکی از متهمان زندانی این پرونده و ... از جمله مسائلی است که در این مستند بررسی شده است. بعد از سال ها، ماجرای انفجار دفتر نخست وزیری هنوز مانند راز سربه مهری باقی مانده است.



«جام در آفساید»

### برنزی به رنگ خون

۲۴ شهریور سال ۵۹ هفتمین دوره مسابقات فوتبال جام ملت های آسیا در کویت شروع شد که تیم ملی فوتبال ایران هم در این دوره شرکت داشت. کمی بعد در روز ۳۱ شهریور رژیم بعث عراق به خاک ایران حمله کرد. مستند «جام در آفساید» درباره اولین حضور تیم ملی فوتبال کشورمان در مسابقات آسیایی بعد از پیروزی انقلاب است که در کشور کویت برگزار شده بود. برخورد کویت با تیم ملی ایران و عدم اطلاع رسانی صحیح به اعضای تیم، سبب پایین آمدن روحیه بازیکنان شده بود. خبر شهادت برادر حسن روشن، کاپیتان تیم ملی، باعث برهم ریختگی کامل روحیه ها و بازگشت کاپیتان می شود. ایران در نهایت در این دوره از رقابت ها به مدال برنز رسید. در این مستند با برخی فوتبالیست های سابق تیم ملی کشورمان از جمله حسن روشن، فرکی، محمد پنجعلی، بهتاش فریبا و همچنین سفیر سابق ایران در کویت مصاحبه شده است. «جام در آفساید» به تهیه کنندگی و کارگردانی فرهاد درودگر تهیه شده است.



«مهمان مامان»

### دلداگی مادرانه

مادران شهید از هر کس دیگری به آیه شریفه «و لا تحسبن الذین قتلو فی سبیل الله امواتا» باور دارند. برای همین هیچگاه رفتن فرزندشان را قبول نداشتند و با یاد آن ها زندگی می کنند.

مستند «مهمان مامان» قصه دلداگی شهید مسعود آخوندی به مادر خویش است. تنها پسر خانواده، که همه نگرانش رضایت پدر و مادر بود تا به او اجازه پرواز دهند. نامه های مسعود به مادرش، مستند «مهمان مامان» را روایت می کند. مادری که چشمان اشک بارش هیچ گاه خشک نشده است و با یاد فرزند شهیدش زندگی می کند. سید مجتبی خيام الحسینی کارگردانی «مهمان مامان» را برعهده دارد.

«سپاه نور»

### روایتی از مجاهدین افغان

حیات شیعیان در استقامت ورزیدن است و سر فرود آوردن در برابر دشمن، اوج ذلت. شیعیان افغان بین ذلت یا شهادت، دومی را برگزیده و در سوریه به جهاد علیه گروهک های تکفیری می پردازند.

مستند «سپاه نور» حضور مجاهدین افغان در جبهه نبرد علیه گروهک های تکفیری را روایت می کند. سپاه نور، نامی است که سید مرتضی آوینی برای رزمندگان انتخاب کرده و فیلم هم از گفتارهای ایشان بهره می برد. به قول شهید آوینی، سپاه نور برای این مردان خدا عجب نام مناسبی است! حجت الاسلام ساسان فلاح فر «سپاه نور» را کارگردانی کرده است.





اونجارو!  
یه جشنواره‌ی ضد استکباری  
اونجاس!



یه پله بیا بالاتر.  
از اینجا عمق اون فیلمه  
معلومه

## بخشنامه

محمد رسول نوروزی

تاریخ: ۲۰۲۰/۰۲/۲۰  
شماره: ۲۰۲۰/kh/۱۵۶۴۵۴۱۳۴  
پیوست: دو سه عدد فیلم  
ایرانی که هنوز روی پرده است

بخشنامه به تمام شبکه های نمایش فیلم

احتراماً؛ بدین وسیله به استحضار می‌رساند، وزارت فرهنگ در دو هزار و دویست و بیست و دومین جلسه مورخ ۲۰۲۰/۰۲/۲۰، ضمن تأیید و حمایت کامل از اقدامات و تدابیر تمام شبکه های نمایش فیلم در فراهم کردن و تمهید شرایط برای افزایش خیانت و روابط آزاد و متناسب با اقتضائات سیاست کلان این وزارت خانه در رواج این امور در منطقه، مقرر کرد:

- تمامی شبکه های فارسی زبان، به جای صرف هزینه برای ترجمه فیلم های ترکی و غیرترکی ترویج دهنده خیانت و روابط آزاد، برخی فیلم های ایرانی را نمایش دهند.
- تمامی شبکه های ترک زبان، از نمایش همان برخی فیلم های ایرانی پرهیز کرده و به فکر این که خانواده هم پای فیلم نشست است، هم باشند.
- تمامی کارگردانان و نویسندگان شبکه ها، میبایست در دوره ای که زیر نظر برخی نویسندگان ایرانی، توسط این وزارت برگزار می شود شرکت کنند.

لازم به ذکر است، این بخشنامه از تاریخ ۲۰۲۰/۰۳/۰۴ لازم اجرا است و برای خانواده خاطیان فیلم ایرانی نمایش داده می شود.

وامیر مورلان  
وزیر فرهنگ ترکیه

## تعبیر خواب سینمایی

### شاهرخ بایرامی

بطور کلی تعبیر دیدن سینما در خواب بسته به ردیف صندلی بیننده خواب، متفاوت است.

منوچهر مطیعی تهرانی میگوید: اگر در خواب ببینید کسی شما را به سینما دعوت می کند یا خودتان به سینما می روید یا همراه کسی عازم سینما هستید دست به کاری می زنید که بصورت فردی یا گروهی سودی عایدتان نمی کند و فقط وقت شما را می گیرد. اگر در حال دیدن فیلم با پایان باز باشید در زندگی دست به کاری میزنید که...

اگر بازیگری خواب ببیند که فیلمش در سینما پخش میشود و شتری در ردیف جلو نشسته و دانه دانه ذرت بو داده میخورد، بزودی به شبکه ای خارجی ملحق میشود و اگر از شیرشتر در خواب بدوشد و بخورد تا گرفتن جایزه اسکار هم پیش میرود، اگر شتر نر باشد در گرفتن جایزه اسکار شک نکند.

دیدن فیلم بدون بلیط و با چراغ روشن در سینما نشانه این است که فرد به دیدن دی وی دی کیفی فیلم ها اشتغال دارد، ترک کند.

اگر ببیند در سینما برایش خطبه عقد میخوانند، دست کسی که با او به بهانه فیلم دیدن به سینما میرود بگیرد بروند سرخانه و زندگیشان و آمار سینما روها را با حضور کاذب مخدوش نکند.

اگر خواب ببیند فیلمی پخش میشود و دوست دارد در آن بازی کند، بعد از بیدار شدن عدد ۳ را به ۳۰۰۴۲ پیامک کند و در کلاس های استاد قلندریان ثبت نام کند و از مزایای یک رایگان سری کامل تام و جری بهره مند گردد.

دیدن حضور بازیگران داخلی در فیلم های شبکه های ماهواره ای، نحوست باشد! به صدقه دفع کند و به پهلوی راست بخوابد و چنانچه دوباره ببیند بیدار شود و دیگر نخوابد، این فیلم ها در بیداری دیدن ندارد چه برسد در خواب، تلویزیون را روشن کند و آیفیلم ببیند.

## شکر خدا سینما عمار داره

### ۳۰۰۳ رجائی

تو این زمونه که پراز فساده

دست همه یک کلاه گشاده

نقایب سیاسیمون زیاده

بدتر ازون اوضاع اقتصاده

شکر خدا سینما عمار داره

درسته که زیادی باکلاس نیس

کاراکترش خوشگل و خوش لباس نیس

تو جیب کارگردانش اسکناس نیس

جلوی سینماش کسی پلاس نیس

ولی به خدا حرفای بسیار داره

نه یک دروغه و رنگ و لعابه

نه اهل کش دادن و آب و تابه

کارش شناسایی منجلا به

شاخص سینمای انقلابه

حالا حالاها با خیلیا کار داره

## محصول مشترک ایران و چین

## خدا حافظ شانگهای

### محمد امین میمندیان

پوریا یک کشتی گیر چهارشانه ی چغرید بدن است که به عنوان توریست به چین می رود. وی در حالی که در خیابان های شانگهای قدم می زند، متوجه فعالیت های مشکوک یک گروه خفن می شود و تصمیم می گیرد از کار آنها سردار آورد. او میفهمد که آنها یک باند قاچاق میراث باستانی چینی هستند اما وقتی می خواهد از آنجا دور شود، لو میرود و کار به دیگری می کشد. یکهو جکی چان از راه میرسد و همه حتی پوریا را کتک میزند که پوریا خیلی دست و پاشکسته میگوید: "گاگونی چو اووو ووشن شی ان" یعنی داداچ داری اشتباه میزنی من خودی ام. جکی متوجه اشتباهش شده و باهم رفیق شده و تصمیم می گیرند جلو خروج عتیقه ها را بگیرند.

آخر فیلم هم در یک صحنه ی بزن بزن در یک کارخانه ی ذوب و ریخته گری وقتی جکی چان تنهایی دارد تا حد مرگ کف گرگی میخورد و چندبار هم نزدیک بوده داخل دیگ ذوب بیفتد، پوریا به کمکش میاید و یک خم و دو خم چند نفر را می گیرد و همه را باهم فیتیله پیچ میکند. با رییس باند هم سرشاخ شده و او را با یک زیرگیری ناز زمین میکوبد و روی پل برده از همانجا پرتش میکند پایین کارخانه. موسیقی متن هم صدای هادی عامل است که میگوید: گلبنانگ پیروزی به صدا درمیاد. آفرین پهلوان..."

سکانس آخر هم لحظه ی خدا حافظی در فرودگاه است و اینجا جکی چان اعتراف می کند که اینهمه سال اشتباه ورزش می کرده و همان اول باید کشتی را یاد می گرفته.

پایان

تحریریه: سجاد اسلامیان، ابوالفضل رضایی، مجید مالکی، مجتبی مالکی، محمد رضا پورصفا، محمود شم آبادی، محمد رضا طالبی آهویی، روزبه قمصری، نوید نوروزی، ابراهیم وکیلی گندمانی  
مدیر هنری: حسین شهرباری

# ساحره سوزان

نویسندگی، تدوین و کارگردانی مهدی فیاضی کیا

تحقیق حاد حسینی

گوینده متن ناصر طهماسب

مجری طرح گروه رسانه‌های راز

تهیه کننده مهدی نقویان

تهیه شده در مدرسه سینمایی عمار



witch hunt  
bob la fontaine  
communism  
mccarthyism  
charlie chaplin  
rosenbergs  
mccarthy